

شماره ۱

# نشریه زنان کارگر



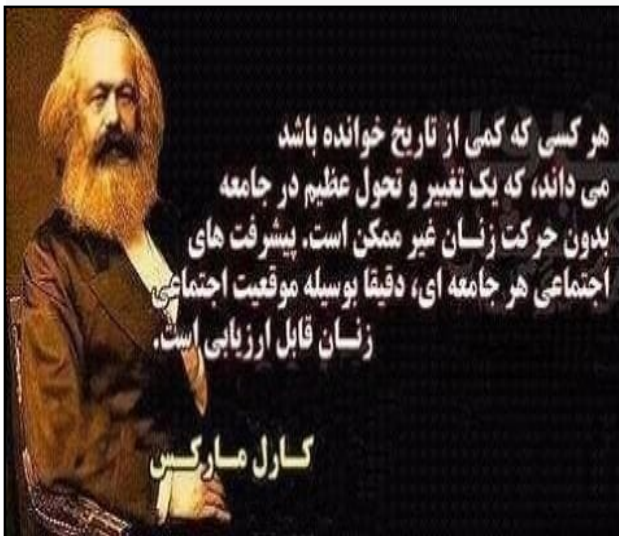
International Women's day demonstrators  
Tehran, March 8, 1979

## کمیته زنان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج کشور



خدمت به مبارزات و اهداف جنبش زنان و جنبش زنان کارگر ادا نماید. این نشریه انعکاسی از ستمها، تبعیضها و مبارزات زنان بر علیه نظام سرمایه داری است، دست علاقمندان و خوانندگان آن را در جهت پر بار تر نمودن آن می فشاریم.



## مقدمه:

نشریه زن کارگر بر این تلاش است بخشهایی از واقعیتهای جنبش زنان و زنان کارگر در ایران و سطح جهان را بازگو نماید. ما شاهد هستیم تغییر و تحولاتی که در زندگی و ساختار اقتصادی-سیاسی جوامع مختلف سرمایه داری در سطح جهان و از جمله ایران صورت گرفته و میگیرد، بیشتر از آنکه در جهت رفاه و بهبودی طبقات فرودست عمل کرده باشد، ماحصل آن فقر و فلاکت، بی خانمانی، بیکاری و جنگ و خونریزی را بهمراه داشته است. دول امپریالیستی و سرمایه جهانی برای مهار کردن بحرانهای اقتصادی و ممانعت از بوقوع پیوستن جنبشهای انقلابی و انقلاب با تمام توان بر این قصدند که با اجرای سیاستهای نئولیبرالی، به جنگ افروزی و تقویت هر چه بیشتر ارتجاع اسلامی، جهان و از جمله خاور میانه را به سوی بربریت سوق دهند. در این فضای بشدت نابرابر و غیر انسانی که اولین قربانیان آن طبقه کارگر و طبقات فرودست هستند، زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه و زنان کارگر بعنوان بخش وسیعی از طبقه کارگر از قربانیان صف مقدم این توحش سرمایه، از تجاوز می و خشونت گرفته تا بیکاری، گرسنگی و اعتیاد می باشند. از آنجائیکه رهایی کل بشریت از اینهمه جنایت و نابرابری که امروز با آن روبرو است، در گرو حضور فعال طبقه کارگر و بویژه زنان کارگر میباشد، این وظائف خطیر را جلو پای ما سوسیالیستها و مدافعان جنبش زنان می گذارد که از ابزارهای مختلف برای پیشبرد مبارزات زنان و زنان کارگر و در همسویی با متشکل شدن آنها تلاش نمائیم. امید است این نشریه بتواند با کمک دست اندر کاران و مخاطبین آن با رویکردی طبقاتی و ضد سرمایه داری وظائف خود را در امر

## 8 مارس و مسائل جنبش برابری طلبانه زنان



گلاویز رستمی  
تشنکیایی زنان کارگر  
و 8 مارس



شکوفه  
زنان افغانستان  
تحت حاکمیت طالبان



سحر صبا  
زنان کارگر  
دستمزدها و 8 مارس



مریم حکمت  
زنان کارگرو  
فمینیست های لیبرال



کوکب  
زنان ایران  
مقاومت و دستاوردها



کبری سلطانی  
وضعیت زنان افغانستان  
پیش و پس از طالبان



فراست صالحی  
توده ای کردن  
مبارزات زنان  
و 8 مارس



سارا افراسیابی  
قتل های ناموسی

شنبه 5 مارس 2022  
14 اسفند 1400  
ساعت 19.30 به وقت اروپای مرکزی  
ساعت 22.00 به وقت ایران

Join On :

آلترناتیو کارگری



clubhouse



نازی  
Moderator



کبری یادگارپور  
Moderator

کمیته زنان نهادهای همبستگی  
سازمان راوا  
زن و برابری  
شورای همراهی با آلترناتیو کارگری



March

ند. اما در مقابل این زن ستیزی زنان در ترکیه نیز ساکت ننشسته اند و به اعتراضات وسیع علیه دولت و قوانین ارتجاعی اش پرداخته اند

با آغاز قدرت گیری رژیم اسلامی سرمایه داری در ایران زنان جزء اولین گروه اجتماعی بودند که به خیابان ها سرازیر شدند و به اعمال قوانین ارتجاعی مذهبی عکس العمل نشان دادند. بعد از آن مقاومت و مبارزه ی زنان در اشکال مختلف در طول چهار دهه بر علیه حکومت سرمایه داری اسلامی، برگ زرینی از تاریخ جنبش زنان را به خود اختصاص داده است. زنان به شرایط و موقعیت نابرابر خود بطور روزمره دست به اعتراض و مبارزه زده اند؛ اعتراض زنان در صف مقدم خیزشهای دیماه ۹۶، آبانماه ۹۸، خیزش توده ای مردم اهواز و بلوچستان و اصفهان چشمگیر بوده است و پتانسیل قوی مبارزاتی از خود نشان داده اند. اعتراضات زنان مبارز و آزادیخواه علیه هر گونه نابرابری در عرضه کار، آموزش، کارخانه، در مدرسه و دانشگاه و در خیابان در مبارزه علیه استبداد و استثمار هر روز افزوده شده و حضور پر رنگ و فعال آنان در جنبش های اجتماعی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دفاع از آزادی های سیاسی و اجتماعی قابل تحسین است. اتفاقی نیست که بخش بزرگی از زندانیان سیاسی ومدنی را اکنون در ایران فعالین زنان تشکیل می دهند.

سیاست سرمایه داری جهانی در چند دهه گذشته تهاجم گسترده به دستاوردهای تاریخی بوده است و زنان در صف اول چنین تهاجمی بوده اند. تکیه سرمایه داری جهانی بر ارتجاع اسلامی در منطقه خاورمیانه و موجودیت حکومت های اسلامی در ایران، افغانستان، عراق و ترکیه از نتایج سیاست های جهانی سرمایه داری در جهت تامین منافع سرمایه بوده است. پتانسیل مبارزاتی زنان در خاورمیانه نشان داده است که در صورت متشکل شدن می توانند نیروی اجتماعی بالفعلی را تشکیل دهند که در جنبش ضد سرمایه داری و به عقب راندن سیاست های حاکم نقش تعیین کننده ای ایفاء کنند. مبارزه زنان در صورت متشکل شدن می تواند به جنبش پر قدرتی تبدیل شود که در مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری، نقش تعیین کننده ای برای رسیدن به اهداف انسانی جامعه و در حله اول رهایی زنان را در بر داشته باشد.

## کمیته زنان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

مارس ۲۰۲۲

باحتیامیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، موقعیت اقتصادی- اجتماعی زنان در ایران فاجعه بار است. با نهادینه نمودن قوانین اسلامی ضد زن و اعمال تبعیض جنسیتی و طبقاتی سرمایه داری بر زنان از قبیل سقط جنین، حجاب اجباری، چندهمسری، کودک همسری، محدودیت سفر، جایگاه جنس دوم، باز گرداندن آنها به کنج خانه و محروم ساختن از اشتغال و تحمیل کار خانگی، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، عدم تصدی برخی مشاغل همچون قضاوت و یا قانون حجاب، محدودیت های ورزشی، عدم ورود به استادیوم های ورزشی، محدودیت در اجرای موسیقی، محدودیت انتخاب رشته ی دانشگاهی، وراثت، عدم حضانت، شهادت ( دو زن برابر یک مرد)، انواع تبعیض اجتماعی - فرهنگی، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است. نتایج چنین قوانینی در ایران سنگسار، اسید پاشی، انواع آسیب ها، قتل های ناموسی، خودکشی و کشتار قانونی زنان بوده است. در بحران سرمایه داری و کووید ۱۹، زنان شاغل در صف مقدم بیکارسازی ها بوده اند. زنان بیکار که شامل هیچ گونه حمایتی نیستند در معرض انواع آسیب های اجتماعی منجمله اعتیاد و تن فروشی هستند. زنان شاغل نیز در برابر کار با شرایط یکسان دستمزد پایین تری از مردان دارند و شدت استثمار بر آنها بیشتر است.

در افغانستان، سیاست قدرت گیری دوباره طالبان توسط سرمایه جهانی در حله اول بر سر زنان خراب شد. زنان اولین قربانیان چنین شرایطی هستند. طالبان تا کنون دست به قتل عام دهها زن زده است، مدارس دخترانه را تعطیل نموده است، زنان شاغل اجازه برگشت به سر کار ندارند. زنان باید با یک مرد محرم برای خرید از خانه بیرون بیایند. اما در رابطه با این تهاجم گسترده زنان افغانستان ساکت ننشسته اند و هر روز در خیابانها به اعتراض بر علیه طالبان به مبارزه ادامه میدهند. وضعیت اجتماعی زنان در افغانستان نه تنها عملکرد ارتجاع طالبان، که نقاب از چهره سرمایه داری مدرن که پشت شعارهای حقوق بشری با طالبان کنار آمده اند برکشید.

دولت بنیاد گرای اسلامی ترکیه هم در رقابت با طالبان افغانستان و سران مرتجع جمهوری اسلامی ایران در سرکوب زنان و آزادیخواهان پیشتاز شده است. در طی چند ماه گذشته در رابطه با طرح خروج از " کنوانسیون منع خشونت " که به دستور اردوغان انجام گرفت، زنان عملا در معرض خشونت و قتل های ناموسی بیشتری قرار گرفته



## ۸ مارس امسال، همگام و هم صدا پیش به سوی مبارزات متشکل زنان!

خصوصی سازیها با به خدمت گرفتن هر چه بیشتر زنان کارگر و زحمتکش جامعه در مشاغل غیر رسمی، سعی دارد با پائین نگه داشتن دستمزدها سود بیشتری از کار زنان استخراج کند. با افزایش فشار اقتصادی، زنان هر چه بیشتر جذب مشاغل کم درآمد و بخش غیر رسمی بازار کار می شوند. طبق آمار بانک جهانی ۶۰ درصد از ۵۵۰ میلیون کارگر بی بضاعت جهان را زنان تشکیل می دهند. همچنین سازمان جهانی کار تعداد کارگران خانگی و خدماتی در سراسر جهان را ۵۳ میلیون نفر اعلام کرده است که غالب این کارگران را زنان مهاجر تشکیل می دهند با توجه به اینکه اغلب کارگران بخش خدمات خانگی بدون هیچ قراردادی مشغول به کار میشوند باید گفت آمارهای واقعی بیشتر از اینها است. در اوضاع و احوال کنونی، با توجه به شرایط فلاکت بار اقتصادی، روز به روز زنان بیشتری با دستمزدهای ناچیز و بدون هیچ قراردادی در رستورانها، منازل، مهد کودکها، مطبها، فروشگاهها، آرایشگاهها، کارگاههای کوچک و خدمات خانگی و مراکزی از این دست مشغول به کار میشوند. علاوه بر آن بطور رایگان در خانه های خود به کار خانگی مشغولند. در دهه های اخیر تعداد زنان در حوزه نیروی کار جهانی دوپست میلیون افزایش یافته است، نیروی کار زنان برابر با ۴۰ درصد از کل نیروی کار جهانی می باشد. ولی بر اساس گزارش سازمان جهانی کار، زنان جزو کسانی هستند که از حیثه کار ثابت با دستمزد معین بالاجبار بیرون و بیشتر بصورت غیر رسمی مشغول به کار می باشند. زنان در ازای کار مشابه با مردان، حتی در حیثه مشاغلی که بیشترین کارکنان آن زن هستند، حقوق کمتری از مردان دریافت می کنند. بر اساس گزارشات متعدد زنان نصف مواد غذایی جهان را تولید می کنند ولی ۶۲ درصد از قحطی زدگان آن را تشکیل می دهند. با اینکه ۳/۲ کار جهان توسط زنان انجام می شود اما ۷۰ درصد فقیران جهان زن هستند، این در حالیست که آنان فقط ۱۰ درصد از عایدی جهان را کسب می کنند. یکی دیگر از پیامدهای جهانی سازی سرمایه و سیاستهای نئولیبرالی در رابطه با وضعیت زنان این است که ۶۷ درصد از ساعات کار در جهان به زنان تعلق دارد، ولی زنان کم تر از یک درصد از دارایی جهان را در اختیار دارند. این فرایند نشان

### ۸ مارس روز جهانی زن خجسته باد!

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن میرویم که با وجود همه گیری کوید ۱۹ فشارهای اقتصادی - سیاسی سرمایه داری جهانی ریاضت کشی و فقر را بر مردم جهان و بویژه زنان افزایش داده است. در ایران نیز رژیم جمهوری اسلامی با تهاجمی همه جانبه فقر و فلاکت گسترده ای را بر تمامی کارگران و مزدبگیران جامعه تحمیل نموده است. تحت حاکمیت و اعمال قوانین ارتجاع اسلامی بیشترین تبعیض جنسیتی و طبقاتی بر زنان اعمال شده و آنها از نظر اجتماعی- سیاسی موقعیت درجه دوم را یافته اند. بیکار سازیهای مداوم، رانده شدن زنان به کنج خانه وابسته کردن هرچه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، کار خانگی، خشونت و سرکوب روز افزون تحت عنوان حجاب اسلامی، کودک همسری و تن فروشی ناشی از فقر مالی، قتلهای ناموسی، محروم نمودن زنان از فعالیتدتر عرصه های اجتماعی- سیاسی، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان به مدد قوانین اسلامی دست مردان را در تمام امورات و شئونات زندگی بر زنان باز گذاشته است.

اگر چه در طول بیش از چهار دهه به یمن اجرای قوانین قرون وسطایی اسلام ستم جنسیتی بر زنان روا داشته شده است، اما بخش وسیعی از همین زنان یعنی زنان کارگر که بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت را تشکیل می دهند، علاوه بر تبعیض و آپارتاید جنسی از ستم مضاعفی هم رنج میبرند که برای زنان طبقات مرفه و دارا ناآشناست. طبیعتاً زنان خانواده های کارگری و زحمتکش جامعه، زنانی که قادر به سیر کردن فرزندان تحت سرپرستی خود نیستند، زنانی که در اشتغال به کارهای حاشیه ای و مقاطعه کاری و کار در منازل برای کارفرماها عرق می ریزند و استثمار می شوند و هنوز نمی توانند نان بخور و نمیری را کسب کنند و زنانی که ناگزیر تن به تن فروشی می دهند، از ستم طبقاتی عمیقی رنج می برند.

سرمایه داری جهانی با اجرای طرحهای نئولیبرالیسم و

دهنده‌ی وضعیت ناگوار موقعیت شغلی و دستمزدهای پایین زنان کارگر نسبت به مردان کارگر است. اینچنین است که زنان کارگر می‌بایست از یک سو همگام با مردان هم سرنوشت خود در محیط‌های کار برای احقاق حقوق اقتصادی شان قدم به پیش بگذارند، از سوی دیگر برای کسب حقوق به شدت پایمال شده اجتماعی شان به عنوان زن به مبارزه برخیزند.

در افغانستان با بقدرت رسیدن و قوی شدن نیروهای بنیادگرا و فاشیست طالبان با حمایت امپریالیسم امریکا و رژیم‌های ارتجاعی در منطقه، ارتجاعی‌ترین قوانین اسلامی را بر جامعه و کل شئون زندگی مردم افغانستان بویژه زنان حاکم شده است. نیروهای جنایتکار طالبان با اجرای قوانین ارتجاعی در کشتار و سرکوب زنان فاجعه‌آفریده‌اند، ازدواج اجباری، کودک همسری، وادار کردن زنان به تن فروشی، بستن دانشگاه‌ها، راندن و محکوم ساختن زنان به خانه‌ها، پوشاندن آنان در بُرَقه و حجاب اجباری، جدا سازی کامل زنان از مردان حتی در برخی موارد جدا کردن زنان از همسرانشان، بستن مدارس به روی زنان و دختران جوان، منع و محدودیت رسانه‌های جمعی، قطع اعضای بدن و کشتار و قتل عام مردم، سنگسار زنان، کشتار زنان در ملاء عام، نمونه‌هایی از وحشیگری ارتجاع اسلامی است که هر روز به نمایش گذاشته می‌شود. در کنار این فجایع فقر و فلاکتی که جامعه را فرا گرفته باعث شده که والدین فرزندان خود بخصوص دختران را بفروش برسانند تا بتوانند بقیه خانواده را از گرسنگی نجات دهند. آمار بالایی از خودکشی و خودسوزی زنان افغانستان خودگویای موقعیت فاجعه‌بار زنان را در این کشور نشان می‌دهد.

تا جایی که به ایران بر میگردد در طول سالها سلطه رژیم اسلامی زنان همیشه یک پای اصلی مبارزه بر علیه این رژیم بوده‌اند. تلاش دختران جوان در شکستن تابوها و کلیشه‌های جنسیتی در جامعه، مبارزه زنان کارگر و خانواده‌های کارگری، تشکیل صندوق‌های همیاری زنان، مبارزه با قتل‌های ناموسی و... تنها بخشی از مبارزات زنان در زندگی روزمره برای دستیابی به بیهی‌ترین حقوق سلب شده از ایشان است. اما زنان به این هم اکتفا نکرده‌اند با حضور در خیابانها و فریاد زدن مطالبات و خواسته‌های خود و افشای قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی مبارزه‌ای گسترده را بر علیه این توحش دامن زده‌اند. در خیزشهای دیماه ۹۶، آبانماه ۹۸، خیزشهای خوزستان، بلوچستان، اصفهان و اعتراضات سراسری معلمان و بازنشسته‌گان زنان در صف مقدم این مبارزات خواستها و مطالبات خود را فریاد زده و با شجاعت و اعتماد به نفس و ارائه سخنرانیها رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی را به چالش کشیده‌اند. زنان زندانی همچون زینب جلالیان و سپیده قلیان، عسل محمدی و فرزانه زیلایی وکیل انقلابی

کارگران نیشکر نیشکر هفت تپه که تهدید به زندان و اعدام و پرونده سازی شده و دهها زندانی زن دیگر در زندانها که با اعتراض و اعتصاب غذا پیامشان را به دیگر زندانیان سیاسی و جامعه میرسانند. فریاد مادران مبارز خاوران و پارک لاله که با جمع شدن در مقابل زندان ها و دادگاه ها خواب راحت را از جنایتکاران سرمایه می‌ربایند. در چنین شرایطی مبارزه زنان کارگر و حقوق بگیران برای مطالبات رفاهی و اقتصادی مستقیما به مبارزه ای سیاسی بر علیه سلطه حاکمیت سرمایه داران تبدیل میشود.

علیرغم تمام فشارهای اقتصادی و سیاسی حاکمیت، که تا امروز نتیجه ای جز گرسنگی، سرکوب، اعدام، دستگیری و شکنجه نداشته است، اتحاد و همبستگی و متشکل شدن ضرورت امروز نیروی اجتماعی زنان برای دست یافتن به برابری و عدالت اجتماعی است. زنان کارگر نه تنها در کارخانه‌ها بلکه در، محله، خیابان و خانه حضور دارند و علاوه بر تشکل‌های کارگری که کارگران زن و مرد را در در خود جای میدهد، نیاز به تشکل‌های ویژه خود هم دارند. ایجاد تشکل‌های ویژه زنان به هیچوجه به معنای جداسازی زنان از جنبش کارگری نبوده بلکه تنها به معنای در نظر گرفتن ویژگی‌های بخشی از طبقه کارگراست.

زنان در نظام سرمایه داری حاکم در سطح جهانی با ستم جنسیتی و طبقاتی روبرو هستند که می‌بایست نقطه پایانی برآن نهاده شود. این کشمکش تاریخی و این معضل اجتماعی مبارزه ای دائمی را می‌طلبد. رفع ستم جنسیتی و طبقاتی زنان، دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی-سیاسی و اجتماعی با لغو مالکیت خصوصی و جایگزینی آن با مالکیت اجتماعی که مبتنی بر تولید و توزیع اجتماعی برای همگان بوده و نفعی در استثمار زنان نداشته باشد می‌تواند تحقق یابد. مبارزه طبقاتی کارگران، رشد و حرکت رو بجلو آن خواهد توانست تضمین کننده رشد جنبش برابری طلبانه زنان و زنان کارگر باشد و تنها مبارزه طبقاتی کارگران است که می‌تواند چنین افقی را پیش روی زنان قرار دهد.

**با گرامیداشت روز جهانی ۸ مارس،  
پیش بسوی اعتراضات متشکل زنان!**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در  
ایران- خارج کشور**

**شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در  
ایران**

**واحد زنان - زن و برابری  
فوریه ۲۰۲۲**

# زنان کارگر و دستمزدها!

و بی حقوق ترین در عرصه حقوق اجتماعی باقی می ماندند. بعد از بحران دهه ۷۰ در جهان سوم جذب نیروی کار ارزان زنان در قالب کارهای موقت، نیم وقت که عملاً این نوع کارها متکی هستند به فرهنگ عقب مانده حاکم و نگاه جنسیتی بر زنان در این کشورها، زیر پا گرفتن حقوق زنان، نبود سیستم حمایت اجتماعی، فقدان سنت تشکل یابی، وجود فرهنگ و مناسبات عقب مانده که محرومیت از حقوق اجتماعی را برای زنان توصیه می کند، همه اینها باعث می شوند که زنان با شرایط کار بسیار طاقت فرسا و شاق روبرو باشند. موقعیت فرودست زنان کارگر به سرمایه داران اجازه میدهد تا کار زنان را ارزانتر بخرند و در آن بعنوان وسیله ای برای کاهش دستمزدها، تحمیل شرایط بد کار و تقلیل معیشت کارگران و استثمار شدید تر آن ها سود جویند. بعلاوه کار بی اجر و مزد زنان در خانه ها، در خدمت ارزان نگه داشتن نیروی کار و سود آوری هر چه بیشتر سرمایه است

بحران اقتصادی سرمایه سبب خانه خرابی کل کارگران و زحمتکشان و توده های تهیدست میشود اما پیامدهای مخرب اجتماعی ناشی از این بحرانها در رابطه با زنان کارگر بیشتر و عمیق تر میباشد. به این دلیل آنها اولین قربانیانی هستند که شغلای خود را از دست میدهند و بیکارسازیها در سطح وسیعی متوجه آنها میشود. نهایتاً موفق شوند به مشاغل کوتاه مدت و کم بها، قراردادهای موقت و پاره وقت دست یابند. این بحرانها سبب دامن زدن بیشتر به تبعیضات و شکافهای جنسیتی زنان می شوند.

واقعیت این است که بازار کار در همه جای جهان با تقسیمات جنسی همراه است. علاوه بر تبعیض جنسی، بازار کار سرمایه داری مبنای انباشت سرمایه بیشتر را با استثمار زنان کارگر در مزد نابرابر در ازای کار برابر با مردان کارگر بنیان نهاده است. این نابرابری مزدی شامل مشاغلی میشود که به مهارت کمتری نیاز دارند و دستمزدشان کمتر و بی ثباتترند. این تقسیم جنسی کار، منشاء آن هر چه باشد، در همه جای دنیا مثل هم عمل می کند. در پی بحرانهای اخیر اقتصادی در بخش هایی که بی ثباتی شغلی بطور روئین موجود بوده است اکنون تنها می توان از افزایش این بی ثباتی صحبت کرد و نتیجه این است که موقعیت ناامن شاغلین را باز هم ناامن تر کرده و رقابت میان آن ها را افزایش و دستمزدهای واقعی شان را کاهش داده است؛ و زنان کارگر هم که عمدتاً در این بخش ها اشتغال به کار دارند و درصد قابل توجهی را شامل میشوند به این ترتیب مستقیماً از بحران جاری صدمه می بینند. از سوی دیگر به علت کاسته شدن خدمات عمومی بیش از همه زنان را که بار عمده کار خانگی و نگهداری از فرزندان را بر دوش دارند تحت فشار قرار می گیرند. روند کاهش یافتن هزینه



"در جوامع سرمایه داری زنان به عنوان بخشی از نیروی کار استثمار میشوند، استثمار پنهان و چند گانه زنان سود سرمایه عظیمی برای سرمایه داران می آفریند."

افزایش دستمزدها یکی از مطالبات پایه ایی و یکی از عرصه های مهم مبارزات اقتصادی طبقه کارگر است. بیشتر یا کمتر بودن میزان دستمزدها نیست که شرایط اقتصادی و معیشتی طبقه کارگر را رقم میزند بلکه این نابرابری بر این استوار است که طبقه کارگر، به جای آنکه در ازای کار خود، تمام محصول کارش را دریافت کند، مجبور است به دریافت بخشی از محصول کار خودش که دستمزد نامیده می شود رضایت بدهد. استثمار مطلق کارگران، مختص دوره بحران یا زمان غلبه بر بحران نیست. استثمار مطلق ارزش اضافی در دوران رونق هم وجود دارد و به ویژه این شیوه استثمار در مورد استثمار از کار زنان و کودکان در تمام کشورهای سرمایه داری بطور یکسان عمل می کند، اما در دوره بحران برجسته تر می شود. بهمین دلیل پیامدهای مخرب اجتماعی ناشی از این بحرانها در رابطه با زنان کارگر بیشتر و عمیقتر عمل میکند. زنان کارگر اولین قربانیانی هستند که شغلای خود را از دست میدهند و درصد بالایی از بیکارسازیها شامل آنها میشود. نهایتاً موفق شوند به مشاغل کوتاه مدت و کم بها، قراردادهای موقت و پاره وقت دست یابند. این بحرانها سبب دامن زدن بیشتر به تبعیضات و شکافهای جنسیتی زنان می شوند. در مورد کشور سرمایه داری مانند ایران، استثمار ارزش اضافی مطلق، روش اصلی استثمار چه در دوره رونق و چه در زمان بحران است.

با اجرای طرحهای نئولیبرالیسم و خصوصی سازیها در سطح جهان، وضعیت شغلی زنان کارگر دستخوش تغییرات شده است. زنانی که شانس بیآورند و جذب بازار کار شوند، بیشترین سهم از فقر و فلاکت، خشونت و استثمار نصیب آنها میشود، ناامن ترین بخش نیروی کاری در حیطه شغلی

چهار دهه است که زن کارگر در ایران در نظام حاکم سرمایه داری تحت قوانین ارتجاعی اسلامی و خشونت مردسالاری هر روز چند ده بار تحت ستمهای جنسیتی و طبقاتی قرار می‌گیرند. زن کارگر وقتی شاغل است به شدیدترین نحو استثمار می‌شود، به حکم زن بودنش در بازار کار در پائین‌ترین موقعیت قرار دارد، او کارگری است که در کارهای شاق و یکنواخت و ناامن و حاشیه‌ای اشتغال دارد، و اگر به قطعه‌کاری در خانه و فعالیت در بخش غیررسمی مشغول نباشد بیشترین سهم از قراردادهای سفید و موقت بدون امضاء را دارا می‌باشد. عمدتاً در کارگاههای کوچک خارج از شمول قانون کار مشغول است و دستمزدش در سطح پائین‌ترین مزدهای زیر خط فقر است. به حکم قانون ارتجاعی حکومت اسلامی زن، در صورت متاهل بودن او با همسرش تداعی می‌شود و کارش را تنها به عنوان کار کمکی و یدکی به رسمیت می‌شناسند و حتی اگر هم کار ثابت داشته باشد از حق عائله و مسکن و بقیه مزایا... معاف است. تا جاییکه به زنان خانه دار خانواده‌های کارگری بر می‌گردد شرایط کار طاقت فرسا و مفت و مجانی‌خانگی را با عقب افتاده‌ترین امکانات را متحمل میشوند.

تأثیر بحران بر زنان کارگر در ایران در شرایط فعلی که آنها را با مشاغل بی‌ثبات و یا اشتغال در واحدهای کوچک روبرو نموده، آنها را در معرض بیکاری و ناامنی شغلی قرار می‌دهد. به علاوه این که با دشوارتر شدن شرایط کاری و زیستی و تحت فشارهای اقتصادی خشونت‌های خانگی هم بالا می‌گیرد و زنان از این بابت هم باید تاوان بحران مسائل خانوادگی را در خانه‌هایشان بپردازند. شرایط اپیدمی کرونا در دو سال اخیر تأثیرات بسیار مخرب بر سطح معیشت خانواده‌های کارگری داشته، در مجموع با تنگ‌تر شدن فشارهای ناشی از بحران اجتماعی پیامدهای مخاطرات اجتماعی رو به افزون بوده و خانواده‌های کارگری را بیشتر تهدید می‌نماید و نتیجه آن با فاجعه افزایش کودکان خیابانی و دختران فراری و تن‌فروشی همراه و ختم شده است.

همه این‌هاست که زن کارگر در ایران را از یک سو با همه مصائب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روبرو می‌کند، و از سوی دیگر او را در موقعیتی قرار می‌دهد که به جنبش‌های کارگری و زنان بیوندد و به مبارزه بر خیزد. در این میان یک نکته روشن است که هیچ اصلاح و رفرم نظام سرمایه داری مشکل زنان کارگر و زحمتکش در ایران را چاره‌نمی‌کند و هر جنبشی که قرار باشد منافع اکثریت زنان کارگر و زحمتکش را نمایندگی کند راهی جز دست بردن به بنیان‌های نظام سرمایه داری و چالش کلیت نظام وجود ندارد. همانطور که شاهد هستیم کار ارزان زنان کارگر در دنیا سودهای نجومی برای سرمایه‌داران می‌آفریند بویژه در

های عمومی از قبیل بیمه‌ها و خدمات درمانی و اجتماعی تا به امروز به شکل چشمگیری ادامه داشته است. واقعیت تلخی که موجود است تفاوت‌هایی بین کار زنان و مردان کارگر وجود دارد، بخصوص امروز در شرایط جامعه ایران بخش عظیمی از زنان یا بیکار هستند یا به کارهای نیمه وقت مشغولند و یا مجبورند برای زنده ماندن و امرار معاش خود و خانواده‌هایشان به این چنین استثمار و حشیانه‌تن دهند و از هیچ حق و حقوق قانونی برخوردار نباشند. به علت نداشتن مهارت و تخصص در بسیاری از کارها مزد آنها دائماً پایین‌تر از مردان کارگر می‌باشد و به علت وجود یک "لشکر ذخیره نیروی کار" مزد زنان کارگر دائماً پایین نگه داشته می‌شود.

در شماری از کشورهای درحال توسعه بوقوع پیوستن بحرانهای اقتصادی ارقام بیکاری را تا درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد. و تنها به بیکار شدن زنان خاتمه نیافته بلکه، مشاغل غیررسمی از جمله تن‌فروشی دست بالا را پیدا می‌کند. علتش هم این است که زنان بعد از بیکار شدن از خدمات اجتماعی و هزینه‌های عمومی از طرف دولت محروم هستند.

در کشوری مثل ایران که تورم و گرانی بطور لجام‌گسیخته روزانه افزایش می‌یابد، تأثیرات مخرب آن که با فقر و فلاکت و کوچک شدن سفره‌های خانواده‌های کارگری هر روز خود را نشان می‌دهد، معیشت آنها را بسیار دشوار نموده و در این میان بهای سنگین آن را زنان خانواده و زنان کارگر می‌پردازند. تا جاییکه به موقعیت زنان مزد بگیر بر می‌گردد، که درصد قابل توجهی از آنان که در کارگاههای زیر ۱۰ نفر کار می‌کنند از شمول قانون کار خارج هستند یا در خانه کارهای قطعه‌کاری و کارهای سفارشی را انجام می‌دهند، قوانین ارتجاعی ضد زن جمهوری اسلامی و اجرای آن زن را نصف مرد شمرده و با تبلیغ آن چهره زن ستیزی و بربریت خود را به همگان نشان داده است. شاهد هستیم که با وخیم‌تر شدن بحرانهای اقتصادی فاصله طبقاتی و جنسیتی عمیق‌تر گشته است.

روشن است که اقتصاد ایران در حالی با بحران اقتصادی جهانی مواجه شده که خودش سالهاست که در بحران و در بحران و رکود اقتصادی بسر میبرد قراردادهای موقت و سفید بدون امضاء، ماه‌ها دستمزدهای معوقه، حداقل دستمزد قانونی زیر خط فقر، با عدم پوشش‌های خدمات اجتماعی و درمانی و بیکاری و سالمندی. این زندگی اسفناک هر روزه بخش اعظم میلیون‌ها کارگر و زحمتکشی است که با عارضه‌های ناشی از این بحران که تورم و گرانی سرسام‌آوری را بهمراه دارد دست و پنجه نرم‌کنند.

شرایط امروز زنان کارگر و زحمتکش و تأثیرات بحران بر زندگی معیشتی، آنها را به حاشیه‌رانده و ناچار به انجام کارهای بی‌بها و کم‌ارزش نموده است. در حدود بیش از



نظام سرمایه داری تا کنون باعث شده است که روند کار زنان نتایج عکس داشته باشد، بدین شکل که بجای تأثیرگذاری بر کوتاه شدن ساعات کار در جهت طولانی شدن آن قرار گیرد، از طرف دیگر همزمان با ازدیاد ثروت جامعه، یعنی رفاه تک تک افراد جامعه نبوده، بلکه در جهت ازدیاد سود سرمایه داران و همزمان در جهت فقر وسیع توده ای قرار گیرد. این نتایج فاجعه آمیز کار زنان که بسیار دردناک به نظر می رسد فقط با محو مالکیت خصوصی و کار مزدی سیستم تولید سرمایه داری از میان خواهد رفت.

فقط کارگران خواهند توانست با نیروی متحد و متشکل خود و با مبارزه‌ای سراسری و سازمان یافته، به خواست واقعی خود که افزایش دستمزدها و دیگر مطالباتشان باشد دست یابند. عملکرد چند دهه رژیم جمهوری اسلامی که با استثمار میلیون ها کارگر و تقلیل سطح زندگی آنها تا سرحد فقر و نابودی، سرکوب و زندان به همراه بوده، به روشنی به کارگران ثابت شده است، که آنها تنها با یک ستیز طبقاتی با دولت سرمایه جمهوری اسلامی خواهند توانست جلو این یکه تازی رژیم را بگیرند. امروز پایان دادن به این تبعیض طبقاتی و جنسیتی مزد نابرابر زنان کارگر در ازای کار برابر و یکسان مردان و عدم بی ثباتی مشاغل آنها و بیکارسازیهایی وسیع و عدم امنیت شغلی تمام گره خورده به امر تشکلیابی طبقه کارگر. تنها کارگران می‌توانند و باید با اتکاء بر نیروی خود، نه تنها مطالبات روزمره و واقعی‌شان از جمله افزایش دستمزدها را به سرمایه‌داران و حافظان منافع‌شان تحمیل کنند، بلکه در نهایت به نابودی سلطه سرمایه و اساس کار مزدی مبادرت ورزند.

فوریه ۲۰۲۲

## کمیته زنان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور



کشورهای پیرامونی می توان به عمق این فاجعه بشری پی برد. به عنوان مثال صنایع پوشاک یکی از جهانی ترین صنایع دنیاست. تقریباً در تمام کشورهای جهان صنایع نساجی و پوشاک وجود دارد و این صنعت یکی از شغل زاترین صنایع جهان به شمار می رود که در آن حدود سی میلیون اشتغال دارند که اکثریت آنان زنان می باشند.

کشورهایی مثل جنوب شرقی اروپا، جنوب آسیا و آمریکای لاتین بیشترین کارگران نساجی جهان را به خود اختصاص داده اند. انحصارات چند ملیتی تولید پوشاک با ایجاد شرکت های تولیدی وابسته به خود در این کشورها نیروی کار را با قیمت ارزان و شرایط اسفناک به کار می گیرند. هر شرکت تولیدی در پیرامون خود تعداد زیادی از کارگاه ها و مراکز تولید زنجیره ای واسطه دارد که مراحل گوناگون تولید را انجام می دهند. در همین کارگاه های زنجیره ای است که دستمزدی در سطح گرسنگی به کارگران پرداخت میشود و هر نوع قانون کار ارتجاعی هم نادیده گرفته میشود و دستمزد کارگران در " شرکت های تولیدی واسطه" معمولاً به اندازه پنج درصد قیمت لباسی است که در فروشگاهها بفروش میرسد. بیمه حوادث ناشی از کار در این شرکت ها وجود ندارد و کارگران هزینه عدم رعایت اولیه ترین شرایط ایمنی کار را با جان خود می پردازند.

یکی از مراکز کار ارزان صنایع پوشاک بنگلادش است. صنعت نساجی بنگلادش از دهه ۷۰ قرن بیستم به این سو سرعت رشد کرده است. این بخش اکنون هشتاد درصد صادرات ۱۸ میلیاردی این کشور را تشکیل داده و منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور است. ۷۵ درصد تولید و صادرات لباس متعلق به انحصارات زنجیره ای بین المللی بخش پوشاک " کی ک " و " ها . اند . ام. " ... هستند که سود خود را از دستمزد های ارزان کارگران که زنان ۹۰ درصد این کارگران بخش نساجی بنگلادش را شامل میشوند بدست می آورند.

بخش نساجی بخاطر اهمیت درجه اولی که در اقتصاد بنگلادش دارد در حدود ۴۰ درصد نیروی کار کشور را جذب کرده است. ۸۵ درصد از نیروی کار سه و نیم میلیونی بخش نساجی را زنان تشکیل می دهند. زنان به طور متوسط حداکثر تنها ۲۰ سال در این رشته کار می کنند زیرا پس از این مدت بعلت ضایعات چشمی و بدنی، که اغلب به سوءتغذیه شدید مربوط است، زنان را از پای درآورده و از آن پس توسط کارفرمایان به عنوان کارگرانی که فاقد کارآئی برای سرمایه می باشند، کنار گذاشته میشوند.

سرمایه داران در سطح دنیا از دو جهت سود میبرند، نخست اینکه مزد زنان را تا حد امکان ارزان در نظر گرفته اند و دوم اینکه از طریق رقابت، مزد مردان را نیز کاهش میدهند. به همین شکل کار کودکان را ایجاد نموده اند، که در مقابل آن مزد زنان را کاهش دهند و با استفاده از کار ماشین به شکل

## کودک همسری، پدیده نظام طبقاتی و تجاوزی خاموش به کودکان!

۱۰. رژیم از هر طرفند ارتجاعی برای جدا کردن بخش قابل توجهی از دختران و کودکان که خانواده های آنها با فقر مالی روبرو هستند استفاده نموده و به کودک همسری دامن زده است. رژیم فاشیست جمهوری اسلامی با شانه خالی کردن از حل بحرانهای اقتصادی موجود که فقر و فلاکت و بیکاری را برای حداکثر جمعیت ایران به ارمغان آورده است و تقلیل دادن بودجه آموزش و پرورش این کودکان دختر را به جهمی به نام کودک همسری سوق میدهد. این عمل غیر انسانی و محروم نمودن کودکان دختر از تعلیم و تربیت و ترویج و تبلیغ کودک همسری بالاترین نوع تبعیض و خشونت بر علیه زنان است. برای مبارزه با این قوانین شنیع و جلوگیری از نهادینه شدن آن لازم است معلمان با آگاه نمودن دانش آموزان و افساء نمودن این تبعیض جنیستی را به یکی از مطالبات و خواست مبارزات سراسری معلمان تبدیل نمایند. برای رفع این آسیب اجتماعی دولت موظف است معیشت خانواده ها را تامین نموده و آموزش رایگان را در مدارس اجرا نماید

امروزه بیان نمودن حق تحصیل رایگان و برابر، مبارزه بر علیه خصوصی سازی آموزش و پرورش در ساختار آموزش و پرورش جرم محسوب شده، و بجای آن قوانین تبعیض آمیز جنیستی نهادینه شده است و معلمان آگاه و معترض به این امر به زندان و حبس محکوم میشوند. و بموازات آن سخن از هرگونه آگاهی روانی و روحی و یا سلامت جنسی دانش آموزان در دوره ی بلوغ در مدارس طبق قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی ممنوع اعلام شده است، اما در تقابل با آن مفاد کودک همسری، طرح جوانی جمعیت و زایمان کودکان بطور اجبار تدریس میشود.

کودک همسری چند سالی است به علت بحرانهای شدید اقتصادی، که ماحصل آن گرانی و تورم و فقر و فلاکت و بیکاری میباشد، به پدیده ایی تبدیل شده که خانواده ها برای حل یک بخش از مسائل اقتصادی از سر ناچاری به آن تن داده اند. فرهنگ ارتجاعی و زن ستیز که دختران را سر بار و اضافی میداند و حتی یدک کش نام خانوادگی نیز نمیداند سعی بر این دارد تا در موقع بحرانهای مالی خانواده یک نان خور را کم کند. با ازدواج دختران با افراد مُسن و پولدار به نوعی هم زندگی دختر را تامین می کنند و هم خانواده ها از نظر مالی بهره ایی خواهند برد. اما این کودک دختر است که در این میان به عنوان کالا معامله



نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی ایران اخیرا گفته است، کودک همسری به موارد ازدواج بچه های ۹ یا ۱۰ ساله اطلاق شود و دختر ۱۳ ساله دیگر کودک همسر نیست.

به گفته حسن نوروزی، " نگاه درست و صحیح به مقوله ازدواج نگاه اسلام است، یعنی ازدواج دختر با بلوغ او است. برای تعیین زمان مناسب ازدواج بلوغ او در نظر گرفته شود و البته به اذن ولی به معنی پدر یا پدربزرگ ". در دین اسلام سن بلوغ دختران ۹ سال و سن بلوغ پسرها ۱۵ سال است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واژه کودک تعریف نشده است و فقط در اصل بیست یکم از لفظ کودکان بی سرپرست استفاده شده است اما با توجه به اصل ۴ قانون اساسی، اما کودک به کسی اطلاق که به سن شرعی بلوغ نرسیده باشد یعنی برای دختر ۹ سال کامل قمری و برای پسر ۱۵ سال کامل قمری است. (طبق تعریف مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)

کودک همسری و تبعیض جنیستی بصورت کتاب درسی پایه دوازدهم به نام "مدیریت خانواده و سبک زندگی ویژه دختران" منتشر شده است. در این کتاب بطور ایدئولوژیکی تبعیض بین دانش آموزان پسر و دختر تبلیغ و ترویج میشود. سعی شده بطور ساختاری در آموزش و پرورش با تدریس نمودن و سوق دادن دختران نوجوان بطرف " کودک همسری " آنها را از تحصیل و دانش دور نمایند. با توجه به درصد بالای معلمان زن در آموزش و پرورش و ادامه مبارزات معلمان بصورت یک جنبش سراسری در کف خیابان، رژیم برای اینکه مبارزات معلمان و نقشی که در تعلیم و تربیت دانش آموزان و بویژه دانش آموزان دختر دارند را منحرف نماید و اخیرا هم شاهد حمایت دانش آموزان از اعتراضات معلمان بوده ایم، از ترس اینکه این پیوند بین دانش آموز و معلم عمیق تر نشده و به یک حرکت سراسری تبدیل شود،

آگاهی تن دهد. رابطه زناشویی ازدواج کودک، ۱۱

آزار جنسی و خشونت در مورد کودکان محسوب شده چرا که کودک بدون هیچ اطلاع و آموزشی و بسیاری از اوقات حتی پیش از بلوغ و در زمانی که خود هنوز تمایلاتی از این قبیل پیدا نکرده معمولاً به مردی از نظر سنی بزرگتر از خود سپرده میشود تا حداکثر سوء استفاده‌های جنسی را از او نموده و در چهارچوب خانواده او را به بردگی مطلق بکشاند. معامله کودکان تحت نام ازدواج و به بردگی کشاندن آنها در یک روابط شدت نابرابر یکی از شنیع‌ترین اشکال خشونت علیه کودکان دختر است. خشونت در نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی هر روز تولید و باز تولید میشود. زنان به علت ستم جنیستی که در تار و پود قانون پوسیده و ارتجاعی نهادینه شده است، درصد بالایی از بیسودان جامعه را تشکیل میدهند، در روابط کار و سرمایه مورد استثمار شدید و بیحقوقی قرار میگیرند. در موقع بحرانهای اقتصادی و سیاسی اولین کسانی هستند که مورد تهاجم بیکار سازها قرار گرفته و به کنج خانه رانده میشوند. با اجرای طرحهای نئولیبرالیسم طبقات فرودست جامعه با فقر و فلاکتی روبرو شده اند که در این میان بالاترین سهم آن نصیب زنان شده است. خانواده های بسیاری با مشکل معیشتی روبرو اند، که در این میان زنان و کودکان خانواده باید تاوان این نداری و فقر را پس بدهند. کودک همسری زمانی اتفاق می افتد که خانواده از عهده مخارج فرزندانشان بر نمیآید و برای اینکه یک نان خور را از سفره خالی اش کم کند، چاره ای جز این ندارد که روی فرزند کودکش معامله ای انجام دهد و در برابر دریافت مبلغی پول او را روانه جهنمی نماید که سرانجامش با بردگی، خودکشی یا ناراحتیهای روحی و روانی ختم خواهد شد.

کودکان محکوم به ازدواج در سنین پایین، این کار را نه با رضایت شخصی بلکه بر مبنای تصمیم خانواده انجام می‌دهند. زمانیکه سن فرد بالاتر می‌رود و آگاهی و شعور اجتماعی او رشد نموده، آمادگی مسئولیت پذیری در رابطه با زندگی فردی و مشترک را بدست می‌آورد سبب میشود با دید بازتری نسبت به مسائل پیرامونش بنگرد. بسیاری از این کودکان زمانیکه با اجبار کودک همسری مواجه میشوند در سنین بالاتر، احساس می‌کنند که تمایلی به زندگی با همسرشان را ندارند و خواهان جدایی هستند. این کودکان به علت عدم آگاهی به مسائل بیولوژیکی و جنسی با بارداری‌های خطرناک و زود هنگام مواجه شده و مجبور به تربیت کودکانی می‌شوند که اختلاف سنی کمی با خودشان دارند. طبق بررسیهای پزشکی، بارداری در سنین پایین

از هر سه ایرانی یک نفر زیر خط فقر زندگی کرده و قادر به تامین هزینه‌های خود نبوده و برخی خانواده‌ها ترجیح داده‌اند برای کم کردن یک سر عائله، کودکانی که هنوز درکی از مسائل جنسی را ندارند بدون رضایت و آگاهی، مجبور به ازدواج کنند. در این بده بستان شدت بیرحمانه، کودکان دختری قربانی میشوند که نه تنها از روابط همسری داری و خانواده تجربه ایی ندارند، بلکه با ترک عروسکهایشان و دوران شیرین کودکی به محیطی از ترس، رعب و وحشت و ناشناخته وارد میشوند، در برابر خود انسانی را می‌بینند که بدون هیچ احساس و شناخت و تجاربی از همسرداری باید هر روز با در اختیار قرار دادن خود مورد تجاوز جنسی قرار گیرند. و در این رابطه شدت غیر انسانی نه تنها تن کودکانه اشان مورد اذیت و آزار جنسی قرار میگیرد، بلکه پیامدهای ناشی از این رابطه شنیع روح و روان آنها را شدت مورد آسیب قرار داده و با خود بیگانگی فرد از رابطه تحمیل شده اش، نفر سومی هم متولد خواهد شد.

ازدواج در سنین کودکی عامل بروز خشونت خانگی و ترک تحصیل دختران میباشد. در این رابطه نابرابر جنسی، که با تجاوز روزانه همراه است، کودک مورد اذیت و آزار جنسی و جسمی قرار میگیرد. اکثریت زنان کودک همسر، کودک مادر هم هستند. ازدواج زود هنگام باعث استثمار زن در کار خانگی، منزوی نمودن و وابستگی بیشتر او به مرد از نظر مالی است. کودک قربانی این روابط وحشیانه، درست زمانی که وارد مرحله نوجوانی می‌شود و شخصیت اجتماعی او در حال شکل گیری است بدون تجربه نمودن این دوران وارد دوره بعدی یعنی بزرگسالی می‌گردد و چون هویت شخصیتی او درست شکل نگرفته است فرد با عدم اطمینان به باورها و تمایلات خود و از دست دادن اعتماد به نفس وارد زندگی ای می‌شود که کاملاً تحت تسلط مرد قرار دارد. کودکان دختر تحت فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده حاکم در جامعه از کودکی به آنها یاد داده می‌شود که باید مطیع و سر بزیر باشند، نقش اصلی آنها همسری و مادری است و باید از پدر و شوهر و حتی از برادر اطاعت کنند. در این ازدواجهای تحمیلی زودرس حتی اگر دختران کودک در کنار بهترین مردهای دنیا هم زندگی کنند خارج از اختیار آنها بسرعت از کودکی به دوران بزرگسالی وارد میشوند و این به معنی حذف دوران نوجوانی و شیطنتهای خاص آن هنگام است، چرا که زندگی ناخواسته مشترک این کودکان قربانی را مجبور به تغییر در رفتار، افکار و احساسات می‌کند.

همسری تجاوز خاموش است در حالیکه کودک هنوز با مسایل جنسی آشنا نیست ناچار است به رابطه جنسی بدون

در جامعه ایی که بر مبنای مالکیت خصوصی بنیان نهاده شده است، زن هم جزء مایملک مرد بحساب می آید، زن نه تنها اختیاری بر موجودیت خود ندارد بلکه تحت سلطه مرد خانواده از پدر، برادر و همسر گرفته اختیار کامل بر زندگی و جسم او را داشته و بهر شکل ممکن برای او تعیین تکلیف نموده و بنا به شرایط و بحرانهای موجود در جامعه و خانواده زندگی برده وار او را رقم میزنند.

"مارکس و انگلس در ایدئولوژی آلمانی مینوسند که بازتولید جامعه ی بشری جوانب مختلف دارد که بازتولید نیازهای مادی و بازتولید نسل از مهمترین آن هاست. و این بازتولید ها همواره در چارچوب روابط اقتصادی- اجتماعی معین و فرهنگ شکل گرفته توسط آن روابط انجام می شود. مارکس این حقیقت را روشن می کند که در مالکیت خصوصی برده داری، فئودالی و سرمایه داری، برده گی اعضای خانواده حداقل به شکل تلویحی وجود دارد زیرا رئیس خانواده از آن ها بهره کشی می کند. در تعریف روابط داخلی در خانواده از واژه ی "بردگی نهفته" استفاده کرده و می گویند، اولین شکل مالکیت، هر چند به صورت خام، در بردگی خانواده نهفته است."

مرد سالاری، حاکمیت مرد و فرودستی زن ریشه در مالکیت خصوصی نظام سرمایه داری داشته و پیوندی ناگسستنی با ساختار نظام طبقاتی موجود دارد. هر گونه تلاش جدی برای لغو قوانین کودک همسری و در کل رهایی زن، ناگزیر از مبارزه طبقاتی علیه این نظام باید بگذرد و محصل آن نظامی خواهد بود که مالکیت اجتماعی را بر جامعه حاکم نموده و تضمین کننده هر نوع برابری برای زنان و رفع خشونت خواهد بود.

ژانویه 2022

## کمیته زنان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور



سبب افزایش سقط جنین، بارداری های سخت، زایمان زودرس یا افزایش تولد نوزادان کم وزن می شود.

در شرایط فعلی جامعه ایران برای ازدواج و مادر شدن حدودی سنی مشخص نشده است در حالیکه برای حضور در انتخابات، افتتاح حساب بانکی و مالکیت اشیا سن ۱۸ سال در نظر گرفته می شود.

افزایش آمار طلاق نیز یکی دیگر از جدی ترین آسیب های اجتماعی پدیده کودک همسری است، طبق بررسی هایی که در این زمینه صورت گرفته بیش از نیمی از ازدواج هایی که در سنین پایین صورت می گیرد در نهایت به طلاق منجر میشود. که در واقع به یک معضل پیچیده تر اجتماعی تبدیل خواهد شد. کودکان بیوه شده که از نظر تحصیلات و مهارت و تخصص محروم هستند، با پرتاب شدن به جامعه ایی که از حمایت مالی برخوردار نیستند، برای تامین مسائل معیشتی خود و فرزندانشان تن به هر کاری خواهند داد، در حالیکه از یک عرصه نابرابر و توأم با خشونت رها شده، با شرایطی روبرو میشوند که دائما در معرض آسیبهای اجتماعی هستند.

"تازه ترین آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران حاکی از ازدواج ۹۷۵۳ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله در بهار سال جاری است، که در مقایسه با آمار فصلی دو سال اخیر یک رکورد است. این آمار نشان از رشد ۳۲ درصدی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ سال نسبت به دوره مشابه در بهار سال ۱۳۹۹ دارد. طبق همین آمار ۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ سال نیز در این فاصله زمانی ازدواج کرده اند. این آمار تنها مربوط به ازدواج های ثبت شده در سازمان ثبت احوال است و به نوشته خبرگزاری ایسنا، اغلب ازدواج های کودکان ثبت نشده و همین امر منجر به نبود آمار دقیق در این حوزه است."

"بر اساس این گزارش، این پدیده به همین جا ختم نمی شود و به تبع آن "کودک مادری" (کودکی که باید مراقبت از او انجام شود، حالا باید مراقب یک کودک دیگر هم باشد). طبق آمار ثبت احوال از ۶ فروردین تا ۲۸ آبان سال جاری تولد ۹۶۹ کودک از مادر کمتر از ۱۵ سال و تولد ۴۴ هزار و ۸۹۶ کودک از مادران ۱۵ تا ۱۹ سال به ثبت رسیده است."

استان تهران کمترین میزان ازدواج زیر سن قانونی را داشته است و استان های سیستان بلوچستان، خوزستان، کردستان، خراسان و استان های شمالی حدود ۴۰ درصد این آمار هستند هرچند در این روستاها و مناطق مرزی آمار از این هم بالاتر می باشد.



## نان و گل سرخ (نان و زندگی بهتر)

به پیش، خواهران من، به پیش  
بانگ صدای ما رسا است.

از جای بر کنیم،

نرده آشپزخانه های دود گرفته،

و کارخانه های بی روح را،

بسوی روز روشن و نورانی گام بر داریم.

همه با هم بخوانیم نان و زندگی بهتر، نان و زندگی  
بهرتر

به پیش، خواهران من،

مبارزه ما نیز، برای مردانی است،

که برای ما کودک می سازند،

ولی خود همیشه کودک ما هستند

دیگر بس است،

زندگی جانوری برای تکه ای نان،

ما زندگی بهتر می خواهیم.

به پیش، خواهران من،

بر گور زنان بیشماری، که برای نان فریاد کشیدند.

نه زیبایی، نه عشق، بیگاری برای همه

بکوشیم برای زندگی بهتر.

نه تنها برای نان

به پیش خواهران من، به پیش،

روزهای بهتر در راه است.

ما همه را،

بدنبال آرمان والای خود خواهیم کشاند.

دیگر بس است،

بهره کشی،

رنج ده تن، آسودگی یک تن.

برای هر کس، نان و زندگی بهتر

نان و زندگی بهتر.

## آنجلیکا بالابانوف



" اگر یکبار به من اجازه زندگی بدهند، مجدداً برای  
سیادت طبقه کارگر، مبارزه خواهم کرد"

" آنجلیکا بالابانوف" کمونیست ایتالیایی- روسی، سال ۱۸۷۸ در اوکراین به دنیا آمد. شانزدهمین و جوانترین فرزند یک خانواده ثروتمند از استعداد و خلاقیت بی نظیر و ویژه ای، برخوردار بود بدانگونه که از عنفوان کودکی به زبانهای گوناگونی، صحبت میکرد. وی، در زمان تحصیل تحت تأثیر افکار رادیکال اساتید سوسیالیست و آنارشویست دانشگاه بلژیک قرار گرفت. در شهر رم ایتالیا، به سازماندهی کارگران مهاجر صنعت پارچه بافی مبادرت ورزید و به طور شبانه روزی، در اتحادیه های کارگری بیشماری فعال بود. بدین ترتیب، رهبری حزی سوسیالیست و حزب سوسیال دمکرات ایتالیا را به عهده گرفت. در روند زندگی مبارزاتی، با جنبش کمونیستی و انقلابی روسیه رابطه نزدیکی برقرار کرد. پس از پیروزی بلشویکها، به کشور روسیه بازگشت و سال ۱۹۱۹ منشی انترناسیونال اول بود. اما، اختلاف نظر با بلشویکها سبب شد تا به کشورش، ایتالیا، باز گردد. با ظهور فاشیسم از ایتالیا به سوئیس تبعید شد. آنجلیکا، فعالیتهای سوسیالیستی بین المللی خود را تا سال ۱۹۶۴ ادامه داد و از آن پس به علت ناتوانی جسمی از کار و کوشش باز ماند. اگر چه در زمان همکاری با لنین، اختلافهای شدیدی با وی داشت و یکی از دلایل کناره گیری از حزب بلشویک و بازگشتش به ایتالیا نیز همین مسئله عنوان شده است، ولی در کتابش به نام " زندگی من، باز هم برای سیادت طبقه کارگر، مبارزه خواهم کرد."

بالابانوف، بعد از جنگ جهانی دوم به ایتالیا باز گشت. اما، تضادهایش با حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ایتالیا، مانع جذبش به این احزاب شد. به رغم اختلافات مزبور، در سال ۱۹۴۷ به حزب کارگر سوسیالیست ایتالیا پیوست. ماکس شاجمن، از رهبران حزب کمونیست آمریکا، کتابی درباره زندگی ستایش انگیز آنجلیکا بالابانوف به رشته تحریر در آورده است. از بالابانوف کتابها و مقالات زیادی بجا مانده است که متأسفانه هیچکدام به زبان فارسی برگردان نشده اند. آنجلیکا، در 25 نوامبر ۱۹۶۵ در شهر رم دیده از جهان فرو بست.

برگرفته از: نشر کارگری سوسیالیستی

## وضعیت زنان در افغانستان بعد از حمله فاشیستی طالبان!

در خیابان به چشم میخوردند، تعدادی هم از ۱۴ ناگزیزی و با پوشش کامل و خوف و هراس بیرون میشدند؛ تبدیلی وزارت امور زنان به "وزارت معروف بالمعروف و نهی از منکر" سر آغاز وضع قوانین ضد زن بود؛ درهای تمامی ادارات دولتی، نهادهای تعلیمی، رسانه های خبری، ورزشگاه ها، (چند تن از ورزشکاران بطور مرموز کشته شدند)، آرایشگاه ها، مراکز تفریحی و حتا مراکز خریداری لباس را به روی زنان بسته شدند؛ خانه های امن و مراجع شکایت قربانیان خشونت های خانوادگی دیگر وجود نداشت و حتی عده زیادی از زنان شاکی را به خانواده های متخلف شان سپردند که می توان حدس زد چه سرنوشت دردناکی را از سر گذرانده اند، و.....

به تازگی طالبان قواعد جدیدی را وضع کرده اند: چنانچه زنان حق تردد و مسافرت را ندارند (بارها رانندگان بخاطر سوار نمودن زنان مورد بازخواست و ضرب و شتم قرار گرفته اند)؛ پوسترهای تبلیغاتی نصب شده در شهر هشدار میدهد که زنان باید با پوشش کامل و رنگ سیاه بیرون شوند؛ نه تنها هنر و بخصوص موسیقی را حرام خوانده اند و علیه هنرمندان تلوار کشیدند بلکه به رسانه ها دستور دادند تا از پخش تصویر زنان و موسیقی- حتی ضمن اعلانات تجارتي و وقفه برنامه ها- ابا ورزند؛ داشتن ریش برای مردان، ادای نماز در مساجد، جریمه نقدی غیر حاضران نماز و فراوان قوانین قرون وسطایی دیگر که هر روز به اجرا گذاشته میشوند

البته ستم طالبان تنها به وضع محدودیتهای مذکور خلاصه نمیشود. این نیروی ضد بشری دست به قتل و اختطاف زنان فعال مدنی و نظامیان سابق می زنند. طالبان وحشی یک زن نظامی را در ولایت غور به طرز بسیار وحشیانه جلو چشم فرزندان کوچک اش و چهار فعال مدنی را در شه ر مزار بعد از اختطاف به گلوله بستند. همین چند روز قبل دختر جوانی به نام زینب را در یکی از ایستهای بازرسی شان در غرب کابل و یک مادر و دختر جوان را در لغمان، تیرباران کردند. در ویدیویی که در شبکه های اجتماعی پخش شد، خانمی در زیر برقع و در ملامع ظاهرا به دلیل داشتن روابط نامشروع، در ولایت فاریاب مورد شلیک گل.له قرار می گیرد و در ویدیویی دیگر یک نوازنده تحقیر و توهین شده آلات موسیقی اش به آتش کشیده می شوند

اینها فقط نمونه های انگشت شماری اند که در رسانه های اجتماعی درز می کنند . یا خود ما بصورت روزمره با آن

### مصاحبه با " جمعیت انقلابی زنان افغانستان " راوا



سوال: . طی حمله فاشیستی طالبان به افغانستان و بستن مدارس و تعطیلات ادارات، زنان از آموزش و فعالیت های اجتماعی و سیاسی محروم شده اند . لطف کنید توضیحاتی در مورد این شرایطی که با آن روبرو شده اند بدهید و عواقب آن را شما بعنوان یک سازمان سیاسی چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ: « جمعیت انقلابی زنان افغانستان » راوا بیست سال قبل همچو سرنوشت فاجعه باری را برای زنان افغانستان و مجموع کشور پیش بینی میکرد. چونیس از یازدهم سپتامبر با اشغال امپریالیزم آمریکا و متحدان اش ( ناتو ) و روی کار آوردن نیروهای بنیادگرا و به شدت ضد زن « ایتلاف شمال»، زنان افغان از آینده شکوفا محروم گشتند. امپریالیزم به هیچ عنوان تحمل ندارد تا مستعمره اش به یک سرزمین مرفه با توده های آگاه و جامعه مترقی مبدل گردد. دولتهای امپریالیستی به خوبی می دانند که اگر جامعه ای به آگاهی سیاسی و انسجام دست یابد، هرگز اشغال ادامه نیافته و منافع دراز مدت اش با خطر مواجه می گردد

«سیا» ( CIA ) در همکاری تنگاتنگ با آی. آس. آی ( ISI ) پاکستان، با حمایت بیدریغ و وسیع ارتجاع مذهبی و فساد و ناامنی در افغانستان طی چند دهه گذشته، عملاً زنان و دختران را از حقوق ابتدایی و انسانی شان محروم ساخته بودند. اما با قدرت گیری دوباره طالبان عصر حجری که بخشی از نقشه آمریکای جنگ افروز و متحدانش بود، افغانستان بیشتر از گذشته به جهنم سوزان برای زنان مبدل گشت چون تغییرات ظاهری نیز حذف گردیدند. اولین اقدام این وحوش خون آشام، محدود ساختن زنان بود: در نخستین روز های حاکمیت استبدادی شان، زنان و دختران بسیار اندکی در

حیله گران را نخورده با قبول هر مانع و ریسک، ۱۵ ابتکار عمل اعتراضات و مبارزات جهت احقاق حقوق انسانی خویش را به دست گرفته اند که ایستادگی شان نه تنها در جامعه افغانستان بلکه در سطح جهان انعکاس مثبت یافته است.

هر روز تعداد زنان معترض افزایش می یابد و طالبان با اینکه بارها گردهمایی، تظاهرات و راهپیمایی های بدون مجوز را ممنوع اعلام داشتند، قادر نبوده اند جلوگیری کنند. ما شاهد بوده ایم که جسارت و شهادت یک عده، به سایر هم زنجیران شان روحیه بخشیده و مقاومت گسترده تر گردیده است. زنان افغانستان به خوبی پی برده اند که به چنگ آوردن حقوق برابر و عدالت اجتماعی را نه میتوان از امپیرالیزم با شعار «دموکراسی» و «حقوق زنان» انتظار داشت و نه هم از مزدوران و طغفروش و خاین چه رسد به مزدوران ماورای ارتجاعی و جنایت پیشه.

به یقین که هر روز خواستهای زنان سیاسی تر شده. به آگاهی و انسجام بیشتر خواهد انجامید. «کار، نان، آزادی»، شعار صرفاً زنان نه بل شعار تمامی اقشار و طبقات محکوم کشور ماست که رساننده آگاهی و سیاسی شدن آنان می باشد.

در کشور ما طی بیست سال گذشته سازشکاری و معامله گری قشری از روشنفکران و تحصیل کردگانش با پوشاریان آمریکا و بنیادگران هار ضربات جبران ناپذیری بر جنبش انقلابی و حرکتهای پیشرو توده ای زده است. بطور نمونه عناصری چون رنگین دادفر سینتا (که با مسخره گی خود را «پیرو مکتب فرانکفورت» می خواند اما با جنگ سالاران ددمنشی چون سیاف و فهیم و محقق و ..... مناسبات عاشقانه داشت و جاده صاف کن استعمار بود) در گمراهی مردم نقش بشدت خائنه ای ایفا کرده اند. امروز نیز حرکتهای خود جوش زنان با خطر جدی نفوذ سازشکاران و کشاندن آن به خط زرد تسلیم طلبی مواجه می باشد که در اینصورت آینده آن تیره خواهد بود. متشکل شدن آگاه ترین و پیشرو ترین زنان در یک تشکل مستقل زنان با اهداف روشن سیاسی ضد بنیادگرایی و ضد امپریالیستی می تواند ادامه و برندگی این جنبش را تضمین نماید. که ما به نوبه خود برای این هدف تلاش می ورزیم.

**سوال:** در رابطه با محروم شدن دختران جوان از تحصیل و معلومات و آگاهی رسائی سیاسی به آنها سازمان شما چه کمکهایی تا کنون توانسته انجام دهد؟

**پاسخ:** بعد از حکمت دوباره استبدادی طالبان در اگست 2021، درهای مراکز تعلیمی و تحصیلی دولتی و خصوصی به روی دختران مسدود شده و تعداد زیادی دخترکان بالاتر از صنف ششم، خانه نشین شده اند. از شش

مواجه می گردیم، بگذریم از این که فشار اقتصادی، بیکاری تورم و قیمتی، ناامنی، نابسامانی و ناامیدی به جایی رسیده که شاید در تاریخ بشر بی نظیر باشد.

روشن است که چنانچه در بالا گفته شد، با این فشار و ارباب، طالبان تلاش دارند تا موجودیت، صدا، فعالیت و اعتراضات زنان را محدود ساخته و آنان را به حاشیه رانند. طالبان تصور داشتند همانند بیست سال قبل به سادگی فرامین ضد زن و وحشیانه شان را به اجرا در خواهند آورد غافل از اینکه عده ای از زنان افغان، با وجود فساد و خورد برد و معامله های دوات های پیشین وابسته به حقوق انسانی خود پی برد و دیگر با هر نوع قربانی، حاضر به سکوت نیستند.

از چندین سال متوالی افغانستان غمزه ترین کشور دنیا خوانده شده است اما در دل تمام تاریکی ها شاید تنها روزنه امید اعتراضات وسیع زنان افغانستان باشد که در شرایط اختناق به جاده ها ریخته و در مقابل وحشیان طالبی قد افراشتند. با اینکه طالبان جانی بارها به راهپیمایی های زنان حمله کرده و تلاش ورزیده اند تا مانع حرکتهای بر حق زنان شوند، اما ما معتقدیم که نیروی آگاه هرگز در مقابل ارتجاع زانو نزده و روزی خواهد رسید که زنان کمر این حاکمان تاریک اندیش را خم کرده به زمین بزنند.

اینهمه فشار و اختناق و فاشیزم مذهبی باعث براه افتادن حرکت های عدالتخواهانه و مترقی خواهند گشت، چیزی که طالبان نیز از آن شدیداً واهمه دارند. به همین دلیل کوچکترین اقدامات را سرکوب می کنند. طالبان هر چند حاکم مطلق اند اما منفور جامعه نیز هستند. با تاریخچه خونبار جنایات و بربریت شان میان مردم جایگاهی نداشته و در طولانی مدت قادر به ادامه و حفظ این وضعیت نخواهند بود. و از سوی دیگر آمریکا و متحدان جنگ افروزش هنوز از سر افغانستان و مردمش دست بر نداشته، مشغول پیشبرد برنامه های خرابکارانه شان برای تبدیل افغانستان به مرکز تروریسم در جهان اند که مطابق آن کار روی تقویت «داعش» و صدور آن به آسیای مرکزی جریان دارد. چنانچه آمریکا از نقش چین و روسیه ر افغانستان نیز نگران بوده و میدان را برای رقبای مخصوصاً چینی اش به سادگی رها نخواهد نمود.

**سوال:** بعد از حمله طالبان مبارزات زنان با طرح خواسته هایشان بطور تعطیل ناپذیر ادامه دارد شما میزان متشکل شدن و بهم پیوستن این اعتراضات را چطور ارزیابی میکنید؟

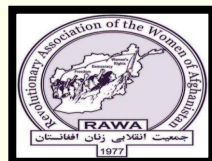
**پاسخ:** با اینکه بعضی زنان مزدبگیر، سرکاری و زینت المجلس، گردانندگان انجیوها (NGO) و غیره به تغییر این وحشیان چشم دوخته بودند و حتی فوزه کوفی بعد از دیدار با طالبان در مسکو گفت «طالبان تغییر کرده اند»، تا شاید باز هم صاحب مقام و منزلتی ولو در دولت «همه شمول» طالبی گردند، اما زنان شجاع افغانستان دیگر فریب همچو

۱۶ دو دولت دشمن سرسخت مردم ما و حامی اصلی بنیادگرایان جنایت پیشه جهادی و طالبی می باشند. استخبارات هر دو دولت از دهه ها بدین سو دست باز در مداخله، ایجاد تنش، و مزدور پروری و دسیسه های مختلف داشته اند.

و اما نقش رژیم آدمکش ایران بعنوان کشور همزیان و هم فرهنگ به مراتب دردآورتر بوده است. اگر پاکستان همچو پدری پرورش دهنده عمده طالبان بوده است، ایران با ایجاد موسسات، ارگان ها و انتشارات و... و حمایت مستقیم از رهبران منفور جهادی از یکطرف و تهدید و توهین مهاجران بینوا از طرف دیگر، به پاره ای از اهدافش دست یافته است. اما از همه مهمتر ایران با خرید و تمویل خیلی به اصطلاح روشنفکر، نویسنده، شاعران و فرهنگی مرتجع و مزدور از نوع کاظم کاظمی، سید عیسی حسینی مزاری، ذکریا راحل، رضوانی بامیانی، جواد محسنی، رهنورد زریاب، فضل الله قدسی، رفیع جنید، ابراهیم امینی، سمیع حامد، صادق عصیان، ابوطالب مظفری، پرتو نادری، حسین فخری، رضا محمدی و... بدترین خیانت علیه جوانان ما روا داشته است.

به همین ملحوظ «راوا» بارها اظهار داشته است که نیروهای مترقی و چپ و روشنفکران مبارز و انقلابی ایران وظیفه دارند تا به افشا و طرد آن نویسندگان و شعرای ایرانی بپردازند که برای قاتلان مردم افغانستان شعر سروده و در صف خاینانه «ولایت فقیه» قرار گرفته «دسته شلاق دژخیم» را رنگین می سازند. وقتی مسعود بهنود، حسین جعفریان، مهین بانو ترکمان، چنگیز پهلوان، علی سیانلو، ژیلان بنی یعقوب، م. سحر، علی رضا عسگری، سید علی صالحی، رضا دقتی، مخملباف و نظایرشان در مدح جلاخان نامدار افغانستان بخصوص احمد شاه مسعود این قاتل صدها چپ و انقلابی افغان سرودند و نوشتند متأسفانه از رفقای ایرانی صدایی علیه اینان بر نخاست.

ما قویا معتقدیم که همبستگی تمامی نیروهای دموکراتیک، انقلابی و مترقی ایران، پاکستان، کردستان و سایر مناطق منطقه نقش اساسی در تضعیف و از پا در انداختن دشمن مشترک ما دارد، پس از هر فرصتی جهت تحکیم آن باید سود جست!



ماه گذشته دروازه های نهادهای آموزشی دولتی (پ.هنتون ها و انستیتیوت ها) کاملاً بسته اند. استادان و یا شاگردان زن آن عده موسسات تعلیمی خصوصی که بازاند، مکلف به رعایت جدایی مطلق پسران و دختران و پوشیدن حجاب طالبی اند ( این محدودیت جدید، هفته قبل بصورت مکتوب رسمی به ادارات مربوطه ابلاغ کردید). ولو تمامی مکاتب و مراکز تعلیمی بازگشایی گردند، طالبان با تحمیل فراوان مضامین دینی و حذف گوشه هایی از علوم که با دیدگاه های عصر حجری شان قرابتی ندارند، تعلیم و دانش را از مسیر اصلی آن منحرف نموده از این مراکز دیگر هر چیزی حاصل شدنی ست جز علم و دانش.

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» (راوا) که گذشته چندین دهه مبارزه را حمل میکند، افتخار دارد که علاوه بر تمرکز بر فعالیتهای سیاسی، همواره جهت ارتقای آگاهی، سواد آموزی و بسیج زنان تلاش نموده است. ما عمیقاً معتقدیم که آگاهی و آموزش زنان کلید و موثرترین سلاح ما ست تا به جنگ قاطع علیه جامعه مرد سالاری، رسوم و عنعنات فرسوده، حاکمیت های ضد مردمی و ضد زن... رویم.

چنانچه «راوا» در دور اول حاکمیت پنج ساله طالبان وحشی در کنار سایر فعالیتهای، تنها تشکل سیاسی ای بود که در زمینه آموزش زنان با قبول خطرات فراوان، دست به ابتکار ایجاد کورس ها و صنوف خانگی زیر زمینی زد. این بار نیز در اولین هفته های سقوط کابل، با یاری اعضا و هواداران اش توانست با وجود مشکلات و محدودیت های فراوان، زمینه های آموزش جمعی از کودکان و جوانان دختر را فراهم سازد و ما با محدود امکاناتی که در دست داشتیم صنوف علوم ساینسی و زبان را در کابل و چندین ولایات دیگر ایجاد نمودیم. در این کورسها در کنار علوم، مسائل سیاسی نیز بصورت فشرده و ساده تدریس میگردد. البته که برنامه های سواد آموزی زنان کماکان ادامه دارد.

شاید این فعالیت در مقیاس نیاز جامعه، گسترده نباشند اما بدون شک بذرهایی اند که بزودی به ثمر خواهند نشست. ما می کوشیم تا این فرصتها در سرتاسر کشور و در سطوح مختلف، ایجاد نماییم چون بدون شک لبه مبارزه زنان دردمند افغانستان را تیزتر خواهد ساخت.

البته به نکته دیگری هم می خواهیم بصورت اجمالی بپردازیم:

افغانستان کشوریست که نه تنها مورد هجوم و چپاول امپریالیزم قرار گرفته بلکه هم مرز با ایران و پاکستان که هر



# ارتجاع اسلامی داعشی گل دیگری را از گلزار عاشقان آزادی و برابری چید!

۱۷ محسوب میشود و مرد صاحب این کالا است، نگرهبانانی که همچون شوهر، پدر، برادر و یا مردی از خانواده را برای حفظ "ناموس و دفاع از شرفشان" بر سر آنها می گمارند، سبب این فجایع ضد انسانی اند. تعبیر معمول از قتل "ناموسی"، کشتن زن به دست مردی از خانواده است که به دلیل "اتهام" به رابطه جنسی قبل از ازدواج رسمی و یا خارج از ازدواج رسمی صورت میگیرد. در این جوامع برقراری روابط آزادانه جنسی زن با مرد دلخواه خود به شرطی که بدون اجازه خانواده صورت گرفته باشد، جرم محسوب شده و قوانین کپک زده اسلامی این اجازه را به مردان خانواده میدهد که هر زمان اراده کنند به فجیع ترین شکل زن را به قتل برسانند و "ناموس و شرف" خانواده را پاسداری نمایند.

در این جوامع زن به دلیل اینکه زیر بار ازدواج ناخواسته نمیرود، زن از مردی جدا شده که شکنجه اش کرده و مورد تجاوز قرار داده است به قتل میرسد. زن خیلی راحت به قتل میرسد چون سر به زیر نیست و به مثابه یک انسان آزاده فکر میکند و به تبع آن عمل میکند. خشونت خانوادگی که قتل‌های ناموسی یکی از کربیه ترین نوع آن است، انعکاسی از خشونت جامعه طبقاتی است و نشان دهنده موقعیت زنان و جایگاه اجتماعی شان در آن جامعه است. جایگاه مرد در ساختار اقتصادی خانواده و انعکاس آن در فرهنگ و سنت های ناشی از آن که به مرد لقب رئیس خانواده داده شده است، برتری مرد از زن قلمداد می شود و در چنین موقعیتی وجود خشونت در واکنش چالش ها و ناهنجاری هایی که در جامعه و خانواده وجود دارد یک امر طبیعی محسوب می شود. عده کثیری از مدافعان حقوق زن وقوع قتل‌های ناموسی خشونت نهادینه شده در جامعه و خانواده را در عواملی همچون پدرسالاری، مذهب، مهاجرت، محدودیت، رسانه، تعصبات شدید، پایین بودن سطح آگاهی، زندگی عشیره ای و کاملاً بسته در برخی مناطق، ازدواج های اجباری و قوانین حکومتی ضد زن جستجو می کنند. هر کدام از اینها تاثیر بسزایی در وقوع این جنایات ناموسی و خشونت خانگی می توانند داشته باشند، اما عامل بنیادی و پایه ای این فجایع نیستند.

هر سال هزاران زن فقط به دلیل جنسیت زن بودنشان و به این اتهام که " شرافت خانواده را لکه دار نموده اند" قربانی قتل‌های ناموسی می شوند. این ننگ که پاک شدنش با به قتل رساندن زن ختم میشود، نه تنها بطور جدی ممانعتی از آن



## قربانی کودک همسری؛ همسرش سر بریده او را در شهر چرخاند، خبر کوتاه اما تکاندهنده بود!

روز شنبه ۱۶ بهمن ماه، مونا حیدری دختر نوجوان ۱۷ ساله در اهواز، پس از فرار به ترکیه توسط همسرش به ایران بازگردانده شده و با انگیزه ناموسی توسط همسر و برادر همسرش به قتل رسید. در این رابطه ویدئویی در شبکه های اجتماعی منتشر شده که در آن متهم سر بریده همسرش را در مقابل چشمان مردم در شهر می چرخاند، این امر واکنش بسیاری از کاربران در شبکه های اجتماعی را به دنبال داشته است. در " قوانین جمهوری اسلامی" مواردی در نظر گرفته شده تا افرادی که مرتکب "قتل های ناموسی" می شوند را از مجازات های سنگین معاف کند.

هر سال تعداد بیشماری از زنان و دختران جوان و حتی دختران در سنین کودکی جان خود را تحت عنوان قتل "ناموسی" از دست می دهند و قربانی قوانین قرون وسطائی و ارتجاعی حاکم بر جامعه و خانواده خود می شوند. در طی سال گذشته در ایران مونا حیدری، فائزه ملکی، رومینا اشرفی، ریحانه عامری، فاطمه فرحی، شکیبیا بختیار، مبینا سوری و... قربانی توحش و بربریتی شده اند که قتل‌های ناموسی نامیده میشود.

(، آمار UNFPA بر اساس یکی از گزارشات سازمان ملل ) رسمی تعداد کشته شدگان زن به دست نزدیکان مرد خود چون شوهر، پدر، برادر و برادر شوهر ... سالیانه رقمی بیش از 5000 نفر است. این در حالی است که بر اساس ،آمار غیر رسمی و اعلام نشده AMNESTY گزارشات بسیار بالاتر از ارقامی چون 5000 نفر در سال است

قوانین زن ستیز علیه زنان، پایه اترین حقوق اولیه یعنی آزادیهای فردی و حقوقی زنان را به شدت مورد تهاجم قرار داده و هر روز به عناوین مختلف آنها را مورد اذیت و آزار جسمی و روحی قرار داده و یا به مسلخگاه مرگ میفرستد. قتل های " ناموسی"، شنیع ترین شکل خشونتی است که ریشه در قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه دارد.

در جامعه ای که حکومت فاشیستی و مرتجع آن زن را شهروند درجه دوم قلمداد نموده، در جامعه ای که زن کالا



بعمل نمی آید بلکه از نظر قوانین ارتجاعی مذهبی و مالکیت خصوصی بورژوازی هر روز تولید و باز تولید میشود. برای قربانی شدن جنایات‌های ناموسی دلائل زیادی لازم نیست، فقط اینکه گمان برده شود زن آبروی خانواده را بر باد داده است کافی است، همانطور که اخیراً "مونا حیدری" قربانی این جنایت ضد انسانی شد. ریشه چنین جنایاتی را نمی توان فقط در مذاهب و افکار و آراء ارتجاعی دانست، بلکه ریشه این جنایات را در مناسبات اقتصادی که بر مالکیت خصوصی استوار است باید جستجو نمود. بسیاری راه مبارزه با این جنایات را در فرهنگ و مذهب جامعه دانسته و آلترناتیوی که برای آن ارائه می دهند تغییراتی در چهارچوب فرهنگ جامعه و به نقد کشیدن مذهب بویژه مذهب اسلام است، اما غافل از اینکه این مسائل ریشه در مناسبات نظام سرمایه داری دارد که مرد سالاری را تقویت می نماید و به این نوع خشونت‌ها مشروعیت می دهد نه مسائل فرهنگی.

امروزه سرمایه داری و دولت های حامی آن، بهره کشی و ستم غیر قابل تصویری را بر زنان، که تنها به آزار و انیت جنسی و جسمی و روحی محدود نبوده، روا داشته اند؛ سیستم سرمایه داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به عناوین مختلف در جامعه بازتولید و تشدید می کند، پس مبارزه بر علیه ستم بر زنان، نمی تواند جدا از مبارزه طبقاتی با سیستم سرمایه داری و بدون دست بردن به ریشه های تاریخی ستم کشی زن که با آغاز طبقات و روابط و مناسبات سرمایه داری شکل گرفته صورت گیرد. برای خاتمه دادن به این جنایات و آدمکشی برای رفع اینهمه تبعیض و ستم و نابرابری بر زنان باید متشکل شویم، باید هم صدا شویم. این فاجعه بشری را هر چه سریعتر به گوش سازمانها و نهادهایی که این جنایات را محکوم میکنند باید رساند. در پایان، این فاجعه دلخراش را به خانواده مونا حیدری، تمامی زنان ایران، نیروهای مترقی و مدافع حقوق زنان تسلیت می گوئیم.

۷ فوریه ۲۰۲۲ - ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۰

هماهنگی زن و برابری



## بیانیه مشترک ۲۹ نهاد چپ و دمکراتیک بمناسبت روز جهانی زن

انعکاس یافت. حضور پررنگ و فعال زنان ۱۹ در جنبش های کارگری، معلمان، دانشجویی، بازنشستگان و در حوزه دفاع از آزادی های مدنی و سیاسی مبارزه زنان علیه حجاب اجباری، علیه غیر قابل انکار است تبعیض درهمه ی سویه های آن مانند ممنوعیت شرکت در بسیاری از رشته های ورزشی، علیه چندهمسری و کودک همسری، حق قضاوت، حق سقط جنین، حق مسافرت وده ها قانون ارتجاعی دیگر همچنان ادامه دارد. بخش بزرگی از زندانیان سیاسی و مدنی را زنان تشکیل می دهند که هزینه ای است در مبارزه برای برابری جنسیتی و تغییرات اساسی در جامعه. در یک کلام مبارزه زنان برای کسب حقوق خویش امروز با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی گره خورده است



بیانیه مشترک ۲۹ نهاد چپ و دمکراتیک بمناسبت روز جهانی زن

! ۸ مارس روز جهانی زن بر زنان ایران و جهان خجسته باد

نابرابری های جنسیتی اگر چه اموری همگانی و فراطبیقاتی اند و مبارزه زنان علیه این تبعیضات جنبه عمومی دارد و خواست همه زنان جامعه به شمار می رود، اما زنان کارگر و زحمتکش مانند زنان به حاشیه رانده شده دستفروش و زنان سرپرست خانواده ستم چندگانه و مضاعفی را نیز علاوه بر ستم جنسیتی تجربه می کنند. این زنان به حاشیه رانده شده از حداقل امکانات زندگی محروم بوده و فاقد بیمه ی بیکاری و بهداشت هستند. کارخانگی نیز وظیفه مضاعفی است بر دوش زنان. با شروع بحران سرمایه داری و بحران کووید ۱۹، زنان کارگر و زنان شاغل در حلقه مقدم بیکارسازی قرار گرفتند. آنان پیش از بحران نیز از موقعیت و حقوق و دستمزد برابر در بیشتر مشاغل برخوردار نبودند. در این زمینه میتوان به بیکاری ۷۰ درصدی زنان شاغل در ایران در اثر بحران کووید ۱۹ اشاره کرد که از هیچگونه حمایتی برخوردار نیستند.

نظام سرمایه داری، دین و مردسالاری سه رکن اصلی فرودستی و ستم بر زنان و بویژه در جمهوری اسزنان در سطوح بین المللی نیزحاکمی ازاین واقعیت است که دستاوردهای زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری که حاصل مبارزه طولانی آنان است، بازپس گرفته می شوند. فقط بحران کرونا در دوسال گذشته موجب بیکاری بسیاری از زنان و رانده شدن آنان به نیروی ذخیره کار و کار بدون مزد خانگی، نگهداری از کودکان و مراقبت از بیماران در لامی اند. از این رو، رهایی زنان را مستلزم مبارزه ی ترکیبی و چند وجهی در همه زمینه ها، بویژه در حوزه نقد

۸ مارس روز جهانی زن، فرصتی است تا مبارزات و دستاوردهای زنان را علیه نابرابری های جنسی- جنسیتی و سایر اشکال نابرابری گرامی بداریم.

فراموش نمی کنیم که زنان اولین نیروی اجتماعی در ایران بودند که در مقابل رژیم تازه بقدرت رسیده ارتجاع اسلامی ایستادند و در اعتراض به سخنان ارتجاعی خمینی درباره ی اجباری کردن حجاب به خیابان آمده و شعار "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" را سر دادند و امر رهایی زن و آزادی جامعه را فریاد زدند. مبارزه علیه تبعیضات جنسیتی و محو هرگونه نابرابری بیش از چهاردهه است که در دستور کار زنان در تقابل با یکی از زن ستیزترین نظام های سیاسی قرار دارد که تبعیض علیه زنان، بخشی از هویت آن است. هر چه مبارزه زنان علیه وضعیت موجود و جامعه مردسالار تشدید می یابد، پاسخ مردسالاران ناموس پرست با حمایت قوانین ارتجاعی و مردسالارانه حاکم شکل وحشیانه تری می یابد. قتل مونا حدیری به نام "ناموس" هشداری است به زنان که تا درصدد در هم کوبیدن ارزش های پوسیده جامعه مردسالار و سیستم حاکم نباشند

امروز مقاومت و مبارزه ی زنان در اشکال مختلف، برگ زرینی از تاریخ مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی است. زنان امروز پیشاهنگ مبارزه علیه هر گونه نابرابری در عرصه کار، آموزش، فرهنگ، کارخانه، مدرسه و دانشگاه و سایر فضاهای اجتماعی بوده و در مبارزه علیه استبداد و استعمار نقش برجسته ای دارند. حرکت نمادین زنان خیابان انقلاب در نفی حجاب اجباری درمقیاس جهانی

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی  
( فریاد خاوران )  
شورای همبستگی ایرانیان با روزوا - استکهلم  
شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن  
شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران  
فدراسیون اروپا - بلژیک  
کارگروه ارتباطات کانون کنشگران دمکرات و سوسیالیست  
هانوفر  
کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران- وین  
کانون پناهندگان سیاسی ایران - برلین  
کانون نقد و گفتگو - لس آنجلس  
کانون همبستگی با کارگران ایران- کانادا  
کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ  
کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران -  
فرانکفورت  
کانون همبستگی برای حقوق بشر در ایران - (کالگری)  
کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران- سوئیس  
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین  
کمیته همبستگی برای حقوق بشر در ایران - نروکمیته  
همبستگی با کارگران ایران و سوئد  
کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران- فرانکفورت  
کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا  
نهاد همبستگی با جنبش کارگری در ایران (غرب آلمان)  
همبستگی با مبارزات مردم ایران- سوئیس  
همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران -  
فرانسه



فرهنگ و سنت ساختارپدر مردسالاری که نظام سرمایه‌داری به اشکال پنهان و آشکار آن را تولید و بازتولید می‌کند، میدانیم. شرایط زنان در سطوح بین المللی نیز حاکی از این واقعیت است که دستاوردهای زنان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری که حاصل مبارزه طولانی آنان است، بازپس گرفته می شوند. فقط بحران کرونا در دو سال گذشته موجب بیکاری بسیاری از زنان و رانده شدن آنان به نیروی ذخیره کار و کار بدون مزد خانگی، نگهداری از کودکان و مراقبت از بیماران در سطح بین المللی شده و زنان را بیش از پیش در موقعیت فرودستی قرار داده است. بنابراین رهایی فراگیر و بنیادین زنان با رهایی جامعه گره خورده است. امروز شرکت مردان آزادی خواه و برابری طلب در مبارزات زنان علیه همه ارزش های جامعه مردسالار جهت ایجاد جامعه‌ای انسانی، آزاد و برابر که #زن\_ناموس\_هیچکس\_نباشد، یک ضرورت اساسی است

ما نهادهای چپ و دمکرات خود را در مبارزات زنان ایران علیه نابرابریهای جنسیتی سهمیم دانسته و از تلاش تشکل‌های مستقل زنان برای رفع ستم طبقاتی، سیاسی، فرهنگی، انتیکی و نژادی و همچنین از مبارزات زنان افغانستان علیه تبعیضات جنسیتی در مقابل رژیم طالبان حمایت می کنیم که قربانی سیاست قدرت های جهانی و منطقه ای برای تامین منافع شان شده و در بند و بستی جدید بار دیگر طالبان را بقدرت رسانیدند. همراه با زنان برای برچیدن همه نابرابری ها در عرصه خصوصی و اجتماعی و آزادی زندانیان سیاسی مبارزه می کنیم و بر این باوریم که فقط همبستگی و پیوند مبارزات زنان و دیگر گروه‌های اجتماعی خواهان آزادی و برابری می تواند راه رهایی از جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر را ممکن کند

**سرنگون باد رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ایران!**

**رهائی زن، رهائی جامعه است!**

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

**زنده باد آزادی، دمکراسی و برابری!**

مارس ۲۰۲۲ برابر با اسفند ۱۴۰۰

**اسامی نهادها بترتیب حروف الفبا:**

اتحاد نیروهای دمکراتیک ایرانی - سوئیس

انجمن پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ- سوئد

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران - پاریس

انجمن سوسیالیستها سوئد

آلترناتیو سوسیالیستی - لندن

حامیان مادران پارک لاله - استکهلم

جمعی از فعالان اجتماعی - سیاسی و پناهندگان - گوتنبرگ

## تن فروشی، نمادی از بردگی جامعه طبقاتی و شنیع ترین شکل خشونت!

۲۱ در هر کوی و برزنی پیدا است، در خیابان ها یا در فاحشه خانه ها. بنا به تحقیقات، میزان زنان تن فروشی که به عوارض ناراحتیهای روحی- روانی و شوک های ناشی از این کار دچار می شوند، همان قدر بالاست که قربانیان جنگی، تجاوز و شکنجه دچار آن هستند. این زنان در تمام طول تن فروشی از خود بیگانه اند. معمولاً زنان تن فروش به مواد مخدر معتاد شده و یا خارج از اندازه الکل می نوشند تا بتوانند وضعیت و موقعیت خود را تحمل و یا فراموش کنند. بسیاری از آنان عامدانه توسط دلالان و واسطه ها معتاد می شوند تا اولاً فشارهای سخت جسمی و روحی وارده و تجاوزی را که به طور مداوم اتفاق می افتد، کمتر احساس کنند و ثانیاً به آنان وابسته شده و نتوانند به راحتی دست از کار کشیده و شیوه زندگی خود را تغییر دهند. این زنان معمولاً نام خود را عوض کرده و به هویت و شخصیت دیگری دست می یابند و دیگر خودشان نیستند.

-برای تعریف و تبیین پدیده-ی تن-فروشی به مقوله-ی ازخودبیگانگی مارکس باید مراجعه نمود، مارکس بیگانه بودن انسانها را نسبت بخود و روابطشان را در مناسبات تولیدی سرمایه داری توصیف نموده و به نقد میکشد. خود بیگانگی در رابطه غیر انسانی تن فروشی همچون مقوله خود بیگانگی بین کارگر و کار مزدی عمل میکند.

در واقع تن-فروش کسی است که از آنجائیکه شرایط و چگونگی کارش به او تحمیل شده و خارج از اراده او است در مقابل عمل انجام شده باندهایی که از قبل فروش تن او و مشتریهایی که در ازای پول با او همخوابه میشوند شرایط و چگونگی کارش را تعیین میکنند و برایش تصمیم میگیرند بیگانه است. او در حین انجام شغل اجباری هم با خود رابطه نمی-گیرد بلکه از خود نوعی فاصله میگیرد، زیرا ناچار است یک عمل تحمیل شده و فاقد رابطه انسانی را هر روز تکرار نماید. در ضمن از هم- نوع خود نیز بیگانه است، با او که از تنش هم استفاده می کند بیگانه است. این خودبیگانگی- شکل-های گوناگونی به-خود می-گیرد و بشدت تکان-دهنده- است.

فلسفه ی لیبرالیسم این بردگی را آزادی می خواند و مارکس هم می گوید: که کارگر از بردگی و وابستگی به زمین آزاد شد، اما آزادی او به معنی آزادی از قدرت مناسبات مادی و مزدوری نبود. کارگر آزاد شد نیروی کارش را بفروشد، اما در مناسبات جدید سرمایه داری استثمار شد و به شکل دیگر



### من از برهنگان تن فروش بیزار نیستم از پوشیدگان شرف فروش بیزارم صادق هدایت

تن فروشی یکی از تحقیرآمیزترین اشکال بهره کشی از انسان است. عملی که همراه است با سوء استفاده و خشونت، نه یک رابطه انسانی طبیعی و آزادانه بین دو انسان. پدیده تن فروشی در نظامهای طبقاتی در گذشته هم موجود بوده، تنها مختص به نظام سرمایه داری نیست. اما امروزه این امر به شکل یکی از پیچیده ترین و پر سودترین تجارت دنیا که از طریق باندهای مافیایی گسترده ایی که بخشا دولتها در آن نقش دارند سازماندهی شده است. در این رابطه نابرابر انسانهایی که مجبوراند تنششان را برای امرار معاش بفروشند، مورد معامله قرار میگیرند. شبکه هایی دست اندر کار این تجارت، زنان را در ازای پول در اختیار مردان قرار میدهند و از این طریق سلطه و قدرت بر زنان اعمال می شود. زن بجز اطاعت و خدمت کردن جرات هیچگونه اعتراض را ندارد. بیشتر این زنان به علت فقر به دام این باندهای قاچاق جنسی می افتند، آن ها می دانند که با این عمل در واقع فقر را می خردند و نه تمایل آزادانه را.

زنان تن فروش بجای اینکه نظام سرمایه داری را نشانه بروند که آنها را همچون کالا خرید و فروش می کنند، تاسف می خورند که زن هستند. زن قربانی تن فروش زن فقیری است، که با در اختیار قرار دادن و فروش تن خود لذت جنسی برای مرد ایجاد میکند. در تمام جوامع دنیا درصد بالایی از تن فروشی اختصاص به زنانی دارد که فقیرند یا خانواده هایشان در اثر فقر و نداری آنها را بفروش می گذارند. هم چنین درصدی از آنها جزء قربانیان سواستفاده جنسی در کودکی اند، به خصوص زنانی که در درون خانواده خود مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند.

پدیده تن فروشی جا و مکان نمی شناسد، جهانشمول است و

وحشیانه ترین اشکال بردگی انسان است.

هیچ تن فروشی نیست که بدون دریافت پول امکان رابطه ی جنسی با مشتری را داشته باشد. نقد ریشه تن فروشی بدون در نظر گرفتن نقد اقتصاد سیاسی و نقد کار مزدی امکان پذیر نیست. کم نیستند فمینیست های لیبرالی که تن فروشی را نشانی از رهایی زن می دانند. این ها نه تنها فهم و درک درستی از رهایی و مناسبات مزدی ندارند بلکه با حفظ این مواضع به تولید و بازتولید شنیع ترین شکل بربریت و خشونت که همان تن فروشی باشد یاری میرسانند. تن فروشی به همان میزان آزادانه است که فروش کار مزدی آزادانه است. کارگر بین مردن از گرسنگی و تن دادن به استثمار به ناچار دومی را انتخاب می کند و تن فروشان برای بازتولید حیات خود به مثابه ی موجودی انسانی به این شکل از بردگی مزدی تن می دهند، عمل ناخواسته ایی که به برده کشاندن زن تحت عنوان " شغل " تعریف شده و رسمیت می یابد.

زن تن فروش با موجودیت انسانی خود بیگانه می شود، چون احساس تعلق خاطر به خودش را از دست می دهد، با محیط اطرافش، یعنی اتاق و محیطی که در آن تن فروشی می کند هم بیگانه است، با باندهای مافیایی که از بردگی او ثروتهای نجومی میسازند هم بیگانه است، زن تن فروش در روابطی که خرید و فروش میشود احساس امنیت نمی کند و با پولی که در ازای تن فروشی می گیرد هم بیگانه است، چون سهم بیشتر آن توسط صاحبان این تجارت از او ربوده می شود، بخش ناچیزی از درآمدی که ایجاد میکند فقط برای امرار معاش به او پرداخت میشود، آنقدر که بتواند زنده بماند و به این استثمار و بردگی ادامه دهد.

نقد تن فروشی را باید از زاویه نقد اقتصاد سیاسی سرمایه داری و نظام های طبقاتی بررسی نمود و هر نوع برخوردی از دیدگاه پست مدرنیستی، فرهنگی و مذهبی به این معضل اجتماعی پلید نه تنها کمکی به اصل ماجرا نمیکند، بلکه در تولید و بازتولید این شکل از بردگی انسان در چارچوب نظام سرمایه داری نقش ایفا میکنند.

در نظام سرمایه داری زنان اکثریت فقرا و بیسوادان را تشکیل میدهند که بخش اعظم آنها جزء طبقه کارگر هستند. بحرانهای اقتصادی - طرحهای نئولیبرالیسم و ریاضت کشی بیش از پیش شکاف طبقاتی بر مبنای جنسیت را تعمیق بخشیده است. فقر رو به ازدیاد زنان را هر چه بیشتر از تحصیل و کار و پیشرفت بازداشته است، در نتیجه منجر به حذف زنان از بازار کار شده است. در هر یک از کشورهای جهان بنا به ویژگی اقتصادی و سیاسی درصد چشمگیری از زنان به علت بیکاری و عدم حمایتهای مالی و فقری که دامنگیر آنها میشود در دام تن فروشی و فحشاء می

افتند، تا بتوانند از این طریق امرار معاش نمایند. ۲۲

در کشورهایی مانند ایران که اسلام سیاسی و قوانین اسلامی در زندگی اجتماعی مردم نهادینه شده است، زن نه تنها به عنوان جنس دوم و مایملک مرد محسوب شده، بلکه نقش او هم در تولید مثل و خدمت به مرد و خانواده خلاصه میشود. زن به عنوان یک انسان و موجود اجتماعی فاقد هر حق و حقوقی و اختیاری میباشد. در شرایط امروزی ایران که فقر، فلاکت، تورم، بیکاری و گرسنگی به اوج خود رسیده است، بیشترین سهم آن نصیب زنان شده است. زنان سرپرست خانواده که بیکارند و یا به کارهای پاره وقت مشغولند و از نظر معیشتی مسئول زندگی خود و فرزندانشان اند، از آنجائیکه هیچ حمایت مالی از طرف دولت نمیشوند، ناچاراند تن فروشی کنند. صیغه این فحشای موقت که رویکردی از قوانین ارتجاعی اسلام است، یک شکل دیگر از خود فروشی است. مافیای جمهوری اسلامی با ایجاد باندهای بزرگ و پر سود فروش زنان و صادر کردن آنها به کشورهای همجوار ثروتهای نجومی ساخته اند. دست اندر کاران حکومتی در داخل کشور با ایجاد مراکزی در گسترش فحشاء در شهرهایی مانند قم و مشهد و دیگر شهرهای ایران و باز گذاشتن راه برای مشتریان از کشورهای دیگر ضمن به جیب زدن ثروتهای کلان با ترویج تن فروشی، بخش زیادی از زنان را به این فساد کشانده و خود را از زیر بار هر نوع مسئولیتی در تامین معیشت آنها مبرا نموده اند. قاسم سلیمانی یکی از بزرگترین مافیای قاچاق و خرید و فروش زنان بود. در نبود او دخترش این شغل بغایت پست و غیر انسانی را با کمال وقاحت تبلیغ نموده و به پیش میبرد. باز هم حکومت فاشیست جمهوری اسلامی به این اکتفا نموده با ایجاد بنگاههای معاملاتی از مردان متاهل دعوت می نماید که به علت فقر و نداشتن درآمد مکفی زنهایشان را با ثبت نام در این بنگاهها در اختیار مشتری گذاشته و وادار به تن فروشی نمایند. و با کمال بیشرمی این جنایت انسانی را در فضای مجازی و غیر مجازی تبلیغ نموده و با جا انداختن آن در جامعه و شانه خالی کردن از زیر بار تامین معیشت خانواده ها این را به عنوان یک شغل مشروعیت میدهد. رژیم جمهوری اسلامی در ابتدای بر سر کار آمدنش کار تحت عنوان حفظ حرمت انسانی، "شهرنو" ها را تخریب کرد ولی بعد به جای آن اماکنی به نام "خانه های عفاف" تأسیس کرد با تدوین قوانین و شرایط و ضوابط و نرخ آن که در جدولی منظم شامل سن زن، مدت انجام عمل، تعداد اقدام در هر ماه، مدت انقضای قرارداد و نرخ معین برای هر مورد و میزان سهمی که باید به مسئول آن خانه پرداخت شود و شرایطی برای زن در نظر گرفته شد که طبق معاینه پزشکی سالم باشد، شوهر و فرزند نداشته باشد. بیش از چهار دهه که از عمر ننگین جمهوری اسلامی میگذرد نه

جان برای نان!

(برای خواهران کمتر از ۱۶ سال رضایت رسمی پدر یا جد پدری یا عمو الزامی میباشد)

آدرس: مشهد - بارگاه امام رضا - خیابان شهید نواب صفوی  
-صحن کوثر - دفتر امور صیغه

جهت اطلاعات بیشتر با تلفن 09121169680 حاج مجید  
علیزاده

09124251704 حاج علی قهرمانی  
تماس حاصل فرمائید

و یا به نشریه استان قدس مراجعه نمایید."

تن فروشی تحت هر عنوان ازدواج موقت، قانونی، غیر قانونی، با مجوز دولتی یا غیر دولتی تعریفی جز فقر و درماندگی ندارد و خشونت محسوب میشود.

بازتاب و عواقب بیکاری که نتیجه اش عدم مسکن و تغذیه، بهداشت و درمان، تحصیل و تفریح میباشد سبب شده درصد بالایی از زنان و کودکان از حداقل امکانات زندگی محروم شده، و یا به تن فروشی تن دهند یا در صف کودکان کار در خیابانها بسر ببرند.

صیغه بارداری ۴۰ میلیون تومانی همراه با ماهی یک میلیون نفقه. طبق جدیدترین آمار هر "رحم اجاره ای" زن معمولاً بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون تومان برای زوجین آب میخورد. در این شرایط بیکاری، تورم و گرانی سرسام آور اجاره دادن رحم زنان، فروش تخمک و صیغه بارداری در ازای مبلغی پول بشدت رواج یافته است. به گفته یکی از زنان که به علت ناهنجاریهای موجود در زندگی مشترکش جدا شده و دوتا بچه دارد. طی بعهده گرفتن مسئولیت فرزندان، به فکر جمع کردن مبلغی پول برای رهن خانه و گرفتن سرپرستی بچه ها می افتد. او می گوید: زمانی برای گرفتن وام به مسجد محل رفتم از طرف روحانی محل به اجاره رحم تشویق شدم.

البته " اجاره دادن " رحم در بعضی از کشورهایی که با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم میکنند همچون هند هم مرسوم میباشد. زنان هندی برای زوج های کشورهای غربی که قادر به بچه دار شدن نیستند، رحم خود را اجاره میدهند. مادران سرپرست خانواده، اغلب از درآمد حاصل از شغل " رحم اجاره ای" هزینه زندگی و مدرسه کودکان خود را تامین می کنند. در اوایل شروع این کار عده ایی از زنان با عذاب وجدان و شرم و مخفیانه این کار را انجام میدادند اما اکنون همین این کار از شکل فردی خارج شده و در اختیار شرکتهای تجاری که مشغول تولید کودک از طریق مادران اجاره ایی برای متقاضیان غربی هستند در آمده است. یکی از مادران " رحم اجاره ای"، در مصاحبه با بی بی سی

تنها در تمام شئون اقتصادی - سیاسی و اجتماعی مقام و منزلت زن زیر سوال گرفته شده است، بلکه امروز هم با کمال وقاحت دولت و مقامات درجه اول با اعلام اطلاعیه زیر و در اختیار قرار دادن زنان ایرانی در اختیار مردان کشورهای عراق، سوریه، لبنان... فاحشه گری را برای زنان رسمیت و مشروعیت داده اند.

اعلامیه رسمی صیغه با نرخ معلوم و شرایط مشخص که به تایید حضرت آیت الله العظمی سید احمد علم الهدی (دامت ابقائه) و به امضای حضرت آیت الله سید ابراهیم ریسی (دامت برکاته) رسیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله (ص): **الزَّكَاةُ، سُنَّتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي.**

آستان قدس رضوی جهت ارتقای فضای معنوی جامعه و ایجاد شرایط مناسب روحی و آرامش خیال برای برادران زائری ( خصوصاً برادرانی که از کشورهای اسلامی دیگر، عراق، سوریه، لبنان... آمده اند) که در مدت زیارت حرم مطهر امام هشتم از همسر خود دور میباشند اقدام به برگزاری مرکز صیغه های کوتاه مدت در جوار حرم رضوی نموده است. در این راستا از کلیه خواهران باکره که سن آنها بین ۱۲ تا ۳۵ سال است دعوت به همکاری مینماید. هر یک از خواهران بر اساس قرارداد ۲ ساله ای که با آستان قدس رضوی منعقد مینمایند موظفند که ماهانه حد اقل ۲۵ روز به صیغه برادران زوار در آیند. مدت قرار داد جزو سابقه اشتغال متقاضی محسوب میگردد مدت هر صیغه از ۵ ساعت تا ۱۰ روز متغیر میباشد. مبلغ پرداختی بابت هر صیغه بدین شرح است:

صیغه های ۵ ساعته: مبلغ پنجاه هزار تومان

صیغه های ۱ روزه هفتاد و پنج هزار تومان؛ ۲ روزه صد هزار تومان؛ ۳ روزه یکصد و پنجاه هزار تومان و از ۴ روز تا ۱۰ روز سیصد هزار تومان خواهران باکره که برای اولین بار صیغه میشوند مبلغ ۱۰۰۰۰۰ تومان اضافه بابت برداشته شدن پرده بکارت دریافت خواهند نمود.

بعد از انقضای قرارداد ۲ ساله در صورتی که سن خوهران به حد نصاب ۳۵ سال نرسیده باشد در صورت تمایل میتوانند در لیست انتظار صیغه های دائم قرار بگیرند. خواهران بالای ۳۵ بدلیل بالا بودن سن لطفاً ثبت نام نفرمایند. خواهران موظفند ۵ درصد از مبلغ دریافتی هر صیغه را به ضریح مطهر واریز نمایند. از کلیه خواهران علاقه مند در خواست میشود ۲ قطعه عکس تمام قد (با حجاب اسلامی)، آخرین مدرک تحصیلی، وضعیت بکارت و گواهی سلامت کامل روانی و جسمانی از سازمان بهداشت شهرستان محل سکونت خود را به آدرس ذیل ارسال نمایند.

زنده ماندن خود و فرزندانشان در مورد زنان سوریه ۲۴  
ایبی هم تکرار شد و باندهای مافیایی و لاشخور  
سرمایه در این رابطه به سودهای کلانی دست یافتند.  
ابعاد تن فروشی در سیستم سرمایه داری آنچنان گسترش یافته که در  
تاریخ بشر سابقه نداشته است. طبق اعلام سازمان ملل، ۳۰ میلیون  
زن در تجارت سکس کار میکنند و سالانه بیش از یک  
میلیون زن و کودک در جهان وارد این تجارت میشوند.  
تجارت سکس و پورنو که یکی از پرسودترین صنایع بعد از  
اسلحه سازی و مواد مخدر است، سالانه میلیاردها دلار به  
جیب سرمایه دارانی میریزد که زندگی میلیونها زن و کودک  
را تحت کنترل خود درآورده و مورد بهره کشی قرار  
میدهند. پورنوگرافی با استفاده از آخرین وسایل ارتباط  
جمعی تمام افکار جامعه را به تسلط خود درآورده و با آن  
روسپی سازی هم میکند. از هر ۸ سایت اینترنتی، یک  
سایت پورنوگرافی است سردمداران این تجارت شنیع و  
کثیف نه تنها هزاران زن و کودک را مرتباً مورد تجاوز،  
خشونت و قتل قرار میدهند بلکه از طریق تبلیغ پورنو به  
اشکال گوناگون به عمیق تر شدن فرهنگ زن ستیزی و  
مشروعیت دادن آن به کل جامعه مشغول اند.

سودهای کلانی دست یافتند.

ابعاد تن فروشی در سیستم سرمایه داری آنچنان گسترش یافته که در  
تاریخ بشر سابقه نداشته است. طبق اعلام سازمان ملل، ۳۰ میلیون  
زن در تجارت سکس کار میکنند و سالانه بیش از یک  
میلیون زن و کودک در جهان وارد این تجارت میشوند.  
تجارت سکس و پورنو که یکی از پرسودترین صنایع بعد از  
اسلحه سازی و مواد مخدر است، سالانه میلیاردها دلار به  
جیب سرمایه دارانی میریزد که زندگی میلیونها زن و کودک  
را تحت کنترل خود درآورده و مورد بهره کشی قرار  
میدهند. پورنوگرافی با استفاده از آخرین وسایل ارتباط  
جمعی تمام افکار جامعه را به تسلط خود درآورده و با آن  
روسپی سازی هم میکند. از هر ۸ سایت اینترنتی، یک  
سایت پورنوگرافی است سردمداران این تجارت شنیع و  
کثیف نه تنها هزاران زن و کودک را مرتباً مورد تجاوز،  
خشونت و قتل قرار میدهند بلکه از طریق تبلیغ پورنو به  
اشکال گوناگون به عمیق تر شدن فرهنگ زن ستیزی و  
مشروعیت دادن آن به کل جامعه مشغول اند.

تن فروشی ریشه در مناسبات نظام نابرابر و جامعه ایبی  
دارد که فرهنگ مرد سالاری در بوجود آمدن تقسیم کار  
نابرابر، به انحصار گرفتن ابزار تولید توسط مردان، انباشته  
شدن ثروت در دست مردان که باعث بوجود آمدن مالکیت  
خصوصی شد، نقش دارد. همه این تحولات در طول تاریخ  
زن را در موقعیت فرودستی نسبت به مرد قرار داد و در  
دوران متفاوت تکامل تاریخی بسته به نیازهای این جوامع  
طبقاتی نظیر برده داری، فئودالی و سرمایه داری، مرد  
سالاری هم اشکال مشخصی بخود گرفت. مشخصاً مذاهب

میگوید: به مادرائی که حامله می شوند تنها مبلغ ۷ هزار  
دلار تعلق می گیرد که البته مبلغ کمی است و باید به آن  
هزینه پزشکی و بیمارستان را نیز اضافه کرد که در  
مجموع حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار دلار هزینه برای سفارش  
یک کودک از هند تمام می شود. این مبلغ در برابر ۷۰  
هزار دلاری که برای همین کار در کشورهای غربی و  
آمریکا که بعد از بحث های فراوان اجازه آن داده شده است  
برای سفارش دهندگان هزینه بر می دارد، مبلغ ناچیزی  
میباشد. طبق گزارش رسانه های هندی درآمد و سود حاصل  
از این کسب و کار بر بدن زنان بدون اختیار خود آنها حدود  
نیم میلیارد دلار در سال میباشد. در سراسر دنیا مافیای  
تجارت بر بدن زنان تقریباً مثل هم عمل میکند و سود دهی  
فراوانی برای نظام سرمایه داری و دلالات آن دارد  
د

جنگهایی که امپریالیستها در خاور میانه برای کسب منافع  
خود بر پا کردند، بیشترین قربانیانش را از زنان و کودکان  
گرفت. نتیجه جنگ که با خرابی و دربدری زنان بدون  
همسر خاتمه یافت و پیامدش فقر و گرسنگی و فرار از  
شرایط جنگی برای حفظ جان بود، زنان را با موج عظیمی  
از تن فروشی مواجه نمود. سیل مهاجرین عراقی برای فرار  
از شرایط وحشتناک جنگی عراق به کشورهای عرب نشین  
همسایه، همانند سوریه سرازیر شد. پیدا کردن کار امر  
محالی در این کشور بود و مهاجرین عراقی هم اجازه کار  
نداشتند. همسران مردانی که در جنگ عراق کشته شده  
بودند، به سوریه رفتند و برای امرار معاش خود و فرزندان  
مجبور به تن فروشی شدند. آنها هر شب، به خارج از خانه  
میرفتند و با فروش تن خود مخارج فردای خانواده را تهیه  
می کردند. این نوع امرار معاش به منظور بقاء برای  
مهاجرین عراقی که در محله های فقیر نشین و پر جمعیت  
سوریه زندگی می کردند تنها انتخاب ممکن بود. در طول  
سالهای اشغال عراق مسئله سوءاستفاده دولت این کشور  
برای جلب توریست های سکس از زنان و دختران عراقی  
در سوریه به آنجا رسید که کشور ثروتمند عربستان سعودی  
و جزایر خلیج، تعداد بسیار زیادی کلوبهای شبانه در حومه  
دمشق ایجاد کردند که به "کازینو" معروف شده بود. این  
"کازینو" ها محل خرید تن زنان و مصرف مشروبات الکلی  
بودند. خبرنگاران و روزنامه نگاران خارجی که از این  
کلوپ ها دیدن کردند از جنایاتی صحبت می کنند که هر  
شب تا پاسی از صبح در این اماکن رخ می دهد و آن فروش  
دختران نو جوان عراقی از سن ۱۲ سال به بالا بود. دخترانی  
که گاه به کمک آرایش غلیظ، سعی در بیشتر نشان دادن سن واقعی خود  
داشتند. ارزانی قیمت تن فروشان کم سن و سال عراقی که بسیاری از  
آن ها توسط اقوام خود به این اماکن برده میشدند حکایت از شرایط  
فلاکت بار و اسفباری داشت که این مهاجرین جنگ زده در آن بسر  
میبردند. البته بعدها هم جنگ در سوریه شروع شد و مورد تاخت و تاز  
امپریالیستهای غارتگر برای کسب منافع خود در منطقه قرار گرفت و  
جنگ خانمانسوز هزاران آواره جنگی که بیشتر آنها زنان و کودکان  
بودند را به همراه خود داشت، همین فاجعه دردناک تن فروشی زنان برای



**بر گرفته از زن و سوسیالیسم آگوست بیل** “ زن در جامعه-ی آینده از نظر اقتصادی کاملاً مستقل است و در معرض هیچ گونه سلطه و استثمار و اطاعت- پذیری نیست. او در برابر مرد، به مثابه یک هستی آزاده و هم تراز قرار دارد و بر سرنوشت خویش مسلط است. پرورش او، به استثنای اختلافاتی که ناشی از تفاوت جنسیتی و کارکردهای جنسی اش است، مثل پرورش مرد است. تحت شرایط طبیعی زندگی، میتواند نیروهای روانی و فکری و استعدادهایش را بر اساس نیازش رشد دهد و به کار اندازد. برای فعالیت، هر زمینه-ای را که با خواسته-ها و علایق و استعدادهایش مطابق باشد، برمیگزیند و از نظر کاری در شرایط مشابه با مردان قرار دارد. وضعیت زنان کارگر در کارهای عملی و حرفه-ای هم به همین گونه است. زن در بخشی دیگر از روز، مربی، معلم و پرستار است. در بخش سوم، هنر را تجربه میکند و یا به کار علمی می-پردازد. در چهارمین بخش روز خود، مدیریت می-کند، تحقیق می-کند، از عهده-ی کارها برمیآید، از شادی ها لذت میبرد و با هم جنسان و یا با مردان به همان گونه که خودش دوست دارد و امکاناتش اجازه میدهد تفریح میکند. در انتخاب عشق، مثل مرد آزاد است و مانعی برایش وجود ندارد. یا خودش پیشنهاد ازدواج میدهد و یا پیشنهاد ازدواج را بدون توجه به هیچ قید و محظوری سوای تمایل، می پذیرد. این پیمان، یک قرارداد شخصی و بی نیاز به میانجیگری است. مثل زناشویی مرسوم تا قرون وسطی، که یک قرارداد خصوصی بود. در این زمینه سوسیالیسم چیز جدیدی ایجاد نمی-کند، بل که بر بستر یک مرحله-ی فرهنگی بالاتر و اشکال اجتماعی جدیدتر، چیزی را که تا قبل از مالکیت خصوصی بر جامعه مسلط بود و اعتبار داشت، بازتولید مینماید

انسان باید با این پیش شرط که ارضای تمایلاتش کس دیگری را نیاز دارد یا به کسی آسیبی نرساند، نسبت به خویش دآوری کند. ارضای میل جنسی، مثل هر میل طبیعی دیگر، یک مساله خصوصی است و هیچ کس در رابطه با آن حق دخالت ندارد. هیچ احدی حق ندارد خود را قاطی مساله-ی دیگری کند. این که من چه گونه میخورم، چه گونه می آشامم، چه گونه میخوابم و لباس میپوشم، امر شخصی من است. روابط من با افراد دیگر هم به همین گونه است. شعور، آموزش، استقلال کامل و همه خصوصیات پرورشی فرد در جامعه-ی آینده، مانع می شوند که فرد دست به عملی بزند که به ضررش تمام شود. خودسازی و آگاهی به هستی خاص خود در مردان و زنان جامعه-ی آینده، نسبت به جامعه-ی کنونی در سطحی بسیار بالاتر قرار خواهد گرفت.”

در تمامی این دورانها به عنوان ابزار تسهیل استثمار طبقات حاکم در تشدید فرهنگ مرد سالاری و در هر چه بیشتر به انقیاد در آوردن زنان نقش داشته اند. در واقع مذاهب توانسته اند با تحمیق و ایجاد خرافات در بین مردان و زنان جامعه زنجیرهای اسارت بر زنان را هر چه بیشتر محکم تر کنند. ستم جنسیتی و طبقاتی بر زن، که انواع و اقسام خشونتها از اذیت و آزار جسمی و روحی و روانی تا تن فروشی و غیره.... را با خود به همراه دارد، امروز به عنوان بخشی از مناسبات اجتماعی جامعه بیشترین سودهی را برای نظام سرمایه داری دارد. به همین دلیل است که دولتهای سرمایه داری شب و روز در هر گوشه ای از جهان آگاهانه با فرودست نمودن بیشتر زن و رواج فرهنگ ضد زن و مرد سالارانه در بین تمامی اقشار و طبقات جامعه این چنین تبلیغات وسیعی را سازمان میدهند. به این علت است که

نظام سرمایه داری و برپائی مالکیت اجتماعی است که نه تنها ضامن برابری و آزادی زنان بلکه تضمین کننده رهایی کل جامعه از هر ستم و نابرابری است.

## کمیته زنان

۲۲ ژانویه ۲۰۲۲

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور

تن های هرزه را

سنگسار می کنند

غافل از اینکه

شهر پر از فاحشه های

مغزی است و

کسی نمی داند مغزهای

هرزه ویرانگرترند

تا تن های هرزه

فروغ فرخزاد

## نه به روز ارتجاعی زن جمهوری اسلامی، زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی هر سال روز تولد فاطمه زهرا را به عنوان روز زن با عوام فریبی در بوق و کرنا کوبیده و به عنوان روز زن می خواهد به زنان ایران تحمیل نماید.

اما زنان ایران که ماهیت پلید و سرکوبگر این حکومت را با تمام وجود خود لمس نموده اند و شخصیت و کرامت انسانی آنها هر روز بیش از گذشته در اثر قوانین ضد انسانی اسلامی زیر سوال میرود، دیگر گول این عوامفریبهای را نخواهند خورد.

رئیس که دستش به خون هزاران انسان آزادیخواه و انقلابی آغشته است و قطعاً شماری از این جان باخته گان شامل زنان میشود در مقام رئیس جمهور وقت در مورد روز زن امروز به تاریخ سوم بهمن ۱۴۰۰ سخنرانی نموده است و از " زنان بعنوان تاریخ ساز و تمدن ساز نام برده است و اشاره نموده است: پایه و اساس یک جامعه سالم زنان هستند، یک جامعه سالم باید بر مدار اخلاق، معنویت و عقلانیت استوار باشد که زنان در این موارد نقش اساسی دارند."

رئیس در شرایطی با وقاحت و بیشرمی همچنین سخنانی را بیان میکند. که زنان جامعه ایران یکی از سیاه ترین دوران را از نظر ستم جنسیتی می گذرانند، و به جرم زن بودن از حداقل ترین حقوق و امکانات بی بهره اند.

در جامعه ایران تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی، موقعیت زنان هر روز بنا به بحرانهای اقتصادی اسفناکتر میشود. با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن، بیشترین تبعیض جنسیتی و طبقاتی بر زنان اعمال شده و از نظر اقتصادی- سیاسی و اجتماعی آنها را درموقعیت درجه دوم قرار داده اند. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، عدم تصدی برخی مشاغل بمانند قضاوت و یا قانون حجاب، محدودیت های ورزشی، عدم اجازه تماشای مسابقات ورزشی مردان، محدودیت در اجرای موسیقی، محدودیت انتخاب رشته ی دانشگاهی، وراثت، نگهداری فرزند، شهادت ( دو زن برابر یک مرد) و... تبعیض اجتماعی - فرهنگی، خشونت و سرکوب روز افزون بر

آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، ۲۶ اخیراً هم رواج وسیع کودک همسری و تن فروشی زنان و ایجاد بنگاهایی برای نام نویسی زنان متاهل با اجازه همسرانشان، صادر نمودن اطلاعیه رسمی از طرف رئیسی برای ارائه زنان جوان ( تبلیغ فاحشگی) در اختیار زائران از کشورهای دیگر، مرد سالاری و نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان حاکم نموده است. تبعیض اقتصادی که عمدتاً فشاری بر زنان زحمتکش میباشد.

امکانات استخدامی زنان در اغلب رشته های صنعتی به خصوص صنایع بزرگ و خدماتی بسیار محدود شده و از همین روست که بنا بر آمارهای دولتی نرخ بیکاری زنان چند برابر مردان است.

اما زنان با شرکت گسترده خود در روز ۸ مارس روز جهانی زن سال ۱۳۵۷ و تلاشهای بعدیشان در برگزاری ۸ مارس ها به جمهوری اسلامی ثابت نمودند، که تنها روزی که به عنوان روز زن به رسمیت می شناسند، روز ۸ مارس روز جهانی زن است. روزی که تنها پیام آور برابری و آزادی واقعی از هر نوع ستم جنسیتی و طبقاتی برای زنان ایران و جهان خواهد بود. روزی که جمهوری اسلامی با سرکوب آن دستاوردهای انقلاب را به یغما برد، و سیطره سیاه ارتجاع را بر جامعه ایران و زنان به عنوان نیمی از آن جامعه گسترده اند.

اما با تمام این تبعیضات و اجحافات که در مورد زنان تا کنون اعمال شده، آنها ساکت ننشسته اند و به مبارزه بر علیه این نابرابریها پرداخته اند. به همین دلیل ما بطور مستمر شاهد مبارزات و اعتراضات گسترده، مداوم و رو به رشد معلمین، پرستاران، زنان زندانی، دانشجویان و بویژه حضور چشمگیر خانواده های کارگری و زنان آنها هستیم.

سران فاشیست جمهوری اسلامی بر نیرو و پتانسیل زنان بعنوان جنبشی بسیار مهم پی برده ، و با تمام اجحافات و سرکوبها نمی توانند این نیروی عظیم را نادیده بگیرند. بهمین دلیل است که رئیسی جنایتکار با دروغ و ریا می خواهد این روز ارتجاعی را به زنان تحمیل نماید. اما زنان در اعتراضات بر علیه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و سیاست های نئولیبرالیستی آن، بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید زده اند تنها رهایی زنان بر علیه هر ستم جنسیتی و طبقاتی به سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است و تا رسیدن به این پیروزی تنها روزی که به عنوان روز زن به رسمیت خواهند شناخت، ۸ مارس روز جهانی زن خواهد بود.

۲۳ ژانویه ۲۰۲۲ - ۳ بهمن ماه ۱۴۰۰

**زنده باد آزادی و برابری زنان از ارتجاع حاکم!**

**نابود باد نظام سرمایه داری اسلامی!**

**هماهنگی زن و برابری**



# عسل محمدی، باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد!

۲۷ بسر می برد، محصول مبارزه طبقاتی جنبشهای اجتماعی و خیزشهای توده ای هستند، که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه در صف مقدم این اعتراضات و مبارزات تا کنون نقش چشمگیری ایفاء نموده اند.

برای حکومتی که موجودیت آن از خیزش دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ به زیر سوال رفت و رای به سرنگونیش داده شد، تحمل حتی یک روز اعتراض و اعتصاب را بر نمی تابد از این رو است که کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، وکلا، نویسندگان، هنرمندان معترض به زندان و حکمهای سنگین محکوم میشوند.

ما فعالین گروه هماهنگی زن و برابری ضمن محکوم کردن محاکمه و زندانی نمودن عسل محمدی فعال کارگری صدای عسل محمدی و دیگر زندانیان دربند هستیم.

**کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و مدنی  
باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردند!  
مرگ بر حکومت اسلامی سرمایه داری!**

۲۵ ژانویه ۲۰۲۲

## هماهنگی زن و برابری



## جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات عسل محمدی محکوم است!

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات عسل محمدی، فعال کارگری روز دوشنبه ۴ بهمن ماه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. خانم محمدی در تاریخ ۱۵ آبان ماه امسال توسط نیروهای امنیتی بازداشت و در تاریخ ۱ آذرماه با تودیع قرار آزاد شد.

در جریان این جلسه که در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری از بابت اتهامات "اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام با مصادیقی از جمله شرکت در کمپین "شکنجهی سفید" و عضویت در محافل مارکسیستی" برگزار شد، قاضی به دلیل نبود مستندات کافی و در نظر گرفتن دفاعیات، پرونده خانم محمدی را به بازپرسی ارجاع داد.

حکومت جمهوری اسلامی که از یک طرف با دست و پنجه نرم کردن با بحرانهای عمیق اقتصادی و سیاسی و از طرف دیگر با اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگری روبرو شده، تنها راه نجات خود را در سرکوب شدید و دستگیری معترضین و فعالین پیشرو جنبشهای اجتماعی و مدنی و اعدام زندانیان سیاسی جستجو می نماید.

آنچه مسلم است، فشارهای طاقت فرسا به زندانیان سیاسی، عدم اجازه مرخصی درمانی، تهدیدهای پیوسته مقامات امنیتی و اطلاعاتی و احضار و بازجویی کارگران و فعالین سیاسی و مدنی، محاکمه غیابی و صدور احکام ظالمانه برای آنان، نشانی از ناتوانی رژیم اسلامی سرمایه داری است.

در طول عمر ننگین جمهوری اسلامی مبارزه زنان برای احقاق حقوق خود و دفاع از جنبشهای اجتماعی بطور مداوم و تعطیل ناپذیر ادامه داشته است. عسل محمدی در کنار همزمان خود همچون زینب جلالیان که به حبس دائم و انواع شکنجه برای اقرار اجباری گرفتار شده است یا سپیده قلیان از مدافعان جنبش کارگری که در بدترین شرایط حبس

# هشت مارس، جشنی رزمجویانه

نویسنده: الکساندرا کولنتای

مترجم: مریم امیری

نمی اندازد؟ برای پاسخ ابتدا لازم است کمی به عقب ۲۸ برگردیم و ببینیم این روز با چه هدفی شکل گرفت؟

## روز زن چرا و چگونه شکل گرفت؟

تتها ۱۰ سال پیش از این (۱۹۱۰) درباره مساله برابری زنان، و اینکه آیا زنان می توانند در کنار مردان در حکومت شرکت کنند، بحثی داغ بود. طبقه کارگر در همه کشورهای سرمایه داری برای احقاق حقوق زنان این طبقه در حال مبارزه هستند: بورژوازی این حقوق را به رسمیت نمی شناسد. برای بورژوازی افزایش حق رای طبقه کارگر در مجلس به صرفه نیست. در همه این کشورها قانونی که حق رای زنان را به رسمیت بشناسد مدام به تعویق می افتد. در آمریکای شمالی، سوسیالیست ها روی خواسته حق رای به طور ویژه پافشاری کردند و در ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ سازمان سوسیالیستی زنان آمریکا تظاهرات بزرگی در سراسر جهان ترتیب داد که خواسته آن به رسمیت شناختن حق رای برای زنان کارگر بود. این روز نخستین «روز زن» بود. در سال ۱۹۱۰، در دومین کنفرانس زنان کارگر، کلارا زتکین پیشنهاد داد روزی جهانی به نام روز زن شکل بگیرد و تصمیم بر این شد که هر ساله در همه کشورها باید روزی به این نام با شعار «حق رای زنان قدرت ما را برای سوسیالیسم متحد می کند»، جشن گرفته شود. در طول این سال ها، موضوع دموکراتیک کردن پارلمان، از طریق به رسمیت شناختن حق رای زنان، بحثی حیاتی بود. حتی پیش از جنگ جهانی [اول] کارگران در همه کشورهای بورژوازی به رسمیت شناخته شده بودند جز در روسیه. تنها زنان و دیوانه ها بی حق مانده بودند. در حالی که در همه این کشورها واقعیت سرمایه داری مشارکت زنان در اقتصاد کشور را طلب می کرد. هر سال به تعداد زنانی که در کارخانه ها و کارگاه ها یا به عنوان مستخدم و کلفت کار می کردند افزوده می شد. زنان همپای مردان کار می کردند و ثروت کشور با دستان آنها افزایش می یافت. با این همه زنان حق رای دادن نداشتند. اما در چند سال پیش از جنگ، افزایش قیمت ها موجب شد حتی زنان بی صدای خانه دار هم در مقابل غارت اقتصادی بورژوازی اعتراض کنند و با مطالبات سیاسی همدلی کنند. «خیزش خانه دارها» به تدریج در کشورهای مختلف چون انگلستان، فرانسه، آلمان و اتریش و در زمان های مختلف شعله ور شد. زنان کارگر به این



**مقدمه:** متن پیش رو به قلم الکساندرا کولنتای یکی از نخستین متونی است که درباره خاستگاه روز جهانی زن به جا مانده است. این متن نخستین بار در نشریه «رابوتنیستا» (به معنی زنان کارگر) در سال ۱۹۲۰ منتشر شد. سه سال پس از انقلاب ۱۹۱۷ که به شکل گیری نخستین دولت کمونیستی جهان انجامید. اتحاد جماهیر شوروی درباره حقوق زنان سال ها از زمانه خودش پیشروتر بود. حق رای زنان بلافاصله به رسمیت شناخته شد و برابری زنان و مردان از هر نظر (ازدواج، دستمزد، حضانت فرزندان، بیمه و خدمات بهداشتی و...) تضمین شد. بسیاری از این حقوق برای اولین بار در جهان برای زنان به رسمیت شناخته می شد. کولنتای در دولت جدید کمیسر رفاه اجتماعی شد. این سمت او را قادر ساخت تغییرات بسیاری به نفع زنان ایجاد کند. جنبشی که چند دهه بعد در غرب شکل گرفت نیز بسیار از آن متأثر شد. در سال ۱۹۷۷ در مجمع عمومی سازمان ملل، هشتم مارس به عنوان «روز جهانی حقوق زنان و صلح جهانی» به رسمیت شناخته شد. روز زن، یا روز زنان کارگر روزی برای همبستگی است، روزی است برای بازنگری در قدرت و سازماندهی زنان پرولتر. با این همه این روز تنها مختص زنان نیست. هشت مارس روزی تاریخی و مهم برای همه کارگران و کشاورزان در روسیه و سراسر جهان است. در سال ۱۹۱۷، انقلاب بزرگ فوریه فراگیر شد. این زنان کارگر پیتربورگ بودند که این انقلاب را آغاز کردند. آنها بودند که برای اولین بار تصمیم گرفتند علیه تزار و داروستانه آن پرچم مخالفت برافرازند. بنابراین هشت مارس را باید دوبار جشن بگیریم. اما اگر این روز، روز همه است چرا به آن «روز زن» می گوئیم؟ و چرا انحصاراً برای زنان میتینگ و جشن برگزار می کنیم؟ آیا چنین کاری وحدت و همبستگی ما را به خطر

جهانی زن به هشتم مارس تغییر یافت و از آن ۲۹ روز، هشت مارس جلوه مبارزه طلبی زنان کارگر باقی مانده است.

### در ضرورت روز جهانی زن

روز جهانی زن در اروپا و آمریکا نتایج شگفت انگیزی داشته است. فارغ از اینکه هیچ کدام از پارلمان های بورژوازی به کارگران امتیازی ندادند یا خواسته زنان را برآورده نکردند. در آن زمان بورژوازی توسط انقلاب سوسیالیستی تهدید نمی شد.

اما روز زن دستاوردهای زیادی داشت. بیش از هر چیز تبدیل به روشی برای تحریک خواهران پرولترمان که کمتر سیاسی هستند، شد. توجه آنها به میتینگ ها، تظاهرات ها، اعتراضات، شبنامه ها و روزنامه ها جلب شد که به مناسبت این روز منتشر می شدند. حتی با وجود عقبگرد سیاسی، زنان کارگر به این فکر کردند که «این روز، روز ماست» و مشتاقانه در میتینگ ها و تظاهرات ها شرکت کردند. پس از هر روز زن، زنان بیشتری به احزاب سوسیالیست پیوستند و اتحادیه های کارگری رشد بیشتری داشت. سازمان ها بهبود یافتند و آگاهی سیاسی توسعه پیدا کرد. روز زن کارکرد دیگری هم داشت و آن تحکیم همبستگی کارگران بود. احزاب کشورهای مختلف برای این واقعه برای هم سخنران می فرستند، رفقای آلمانی به انگلستان می روند و رفقای انگلستان به هلند و... پیوستگی بین المللی طبقه کارگر قوی تر شده است و این به معنی قوی تر شدن مبارزه پرولتاریاست. روز زنان کارگر آگاهی و سازماندهی زنان طبقه کارگر را افزایش داد. این یعنی اینکه همکاری برای موفقیت مبارزه برای آینده بهتر طبقه کارگر، اصلی اساسی است.

### روز زن در روسیه

زنان روسی برای اولین بار در سال ۱۹۱۳ در روز جهانی زن شرکت کردند؛ درست زمانی که تزار در حال له کردن کارگران و دهقانان در چنگال خود بود. در نتیجه کسی نمی توانست به برگزاری روز جهانی زن در غالب تظاهرات فکر کند. اما زنان سازماندهی شده می توانستند روز جهانی خودشان را داشته باشند. هر دو روزنامه طبقه کارگر در روسیه یعنی پرآوادا متعلق به بلشویک ها و لوخ متعلق به منشویک ها، درباره روز جهانی زن مقاله هایی نوشتند. برخی نوشته ها متعلق به کسانی بود که در جنبش طبقه کارگر شرکت داشتند؛ کسانی مانند کلارا زتکین. در آن سال های غم فرا برگزاری میتینگ ممنوع بود. ولی در پتروگراد، زنانی که عضو حزب بودند، فرومی عمومی درباره «مساله زن» سازماندهی کردند. ورودیه این فروم

درک رسیدند که تهدید بازرگانان و طفره رفتن از کار کافی نیست. چنین اقداماتی هزینه زندگی را پایین نمی آورد و باید سیاست های دولت را تغییر داد. برای این کار طبقه کارگر باید حق رای به دست آورد.

در نتیجه در کنفرانس مذکور تعیین روز زن مشخصا برای به دست آوردن حق رای برای زنان کارگر بود. این روز روزی بود برای همبستگی جهانی در مبارزه ای با هدف مشترک زیر پرچم سوسیالیسم.

### نخستین روز جهانی زن

از تصمیمات دومین کنگره بین المللی زنان کارگر مدرکی به جا نمانده است. در آن کنگره تصمیم گرفته شد نخستین روز جهانی زن در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار شود. این روز اتفاقی انتخاب نشد. رفقای آلمانی ما این روز را به دلیل اهمیت تاریخی آن برای پرولتاریای آلمان انتخاب کردند. در ۱۹ مارس ۱۸۴۸ که در آن سال انقلاب روی داد، شاه پروس برای نخستین بار قدرت مردم مسلح را درک کرد و پیش از قیام پرولتاریا راهی پیش پای آنها گذاشت. یکی از قول هایی که داد، که بعدها زیرش زد، به رسمیت شناختن حق رای برای زنان بود.

پس از ۱۱ ژانویه آن سال، در اتریش و آلمان تلاش هایی برای برگزاری روز زن صورت گرفت. آنها هم برای برگزاری تظاهرات و هم تاسیس نشریه های جدید برنامه ریختند. یک هفته پیش از روز زن، دو نشریه جدید به وجود آمد: «حق رای برای زنان» در آلمان و «روز زن» در اتریش. مقاله های زیادی در این باره منتشر شد (مثلا «زنان و پارلمان»، «زنان کارگر و شهرداری»، «چه چیز زنان خانه دار را واداشت وارد سیاست شوند» و...) که همگی سعی داشتند مساله برابری زنان در جامعه و دولت را تحلیل کنند. همه این مقاله ها بر نکته مشترکی پای می فشردند: اینکه دموکراتیک کردن پارلمان از طریق مشارکت زنان در انتخاب نماینده ها، ضرورتی حیاتی است. در نتیجه نخستین روز جهانی زن در سال ۱۹۱۱ با موفقیت برگزار شد. روز زنان کارگر در آلمان و اتریش خروش دریایی از زنان بود. در همه جا میتینگ برگزار شد حتی در شهرهای کوچک و حتی روستاها. این روز نخستین نمایش مبارزه طلبی زنان کارگر بود. مردان در این روز در خانه ماندند و از کودکان مراقبت کردند و همسرانشان، زنان خانه دار محبوس، به میتینگ رفتند. در یکی از بزرگ ترین تظاهرات ها که حدود ۳۰ هزار نفر در آن شرکت کردند، پلیس تصمیم گرفت بنرها را از دست جمعیت جمع آوری کند، ولی زنان مقاومت کردند و تنها به واسطه کمک نمایندگان سوسیالیست در پارلمان از سرکوبی خونین جلوگیری شد. در ۱۹۱۳ روز

ولی حزب سوسیالیستی خائن آلمان و دیگر ۳۰ کشورها به زنان اجازه سازماندهی ندادند و گذرنامه آنها برای رفتن به کشورهای بی هدف نشان دادن اینکه برخلاف خواسته بورژوازی همبستگی آنها همچنان ادامه دارد، رد شد

در سال ۱۹۱۵، تنها در نروژ تظاهرات روز جهانی زن برگزار شد. نمایندگانی از روسیه و برخی کشورهای بیطرف هم در آن شرکت کردند.

سال بزرگ ۱۹۱۷ از راه رسید. گرسنگی، سرما و دادگاه های جنگی طاقت زنان کارگر و کشاورز را طاق کرد. در روز جهانی زن زنان بی باکانه به خیابان های پتروگراد آمدند. برخی از آنها کارگر و برخی دیگر همسران سربازان بودند خواستار «نان برای فرزندانمان» و «بازگشت شوهرانمان» شدند. در این زمان مهم، تظاهرات زنان برای نیروهای امنیتی تزار چنان تهدیدی به وجود آورد که پیش از آن بی سابقه بود. نیروهای امنیتی نتوانستند از ابزارهای معمول در مقابل معترضان استفاده کنند و فقط با حیرت دریای توفانی خشم مردم را نظاره می کردند. روز جهانی زن سال ۱۹۱۷، در تاریخ ماندگار شد. انقلاب فوریه از همین روز آغاز شد.

پنج کوپک بود. این فروم غیرقانونی بود ولی محل برگزاری لب به لب پر شده بود. با این همه این فروم «بسته» به دشواری پایان یافت زیرا پلیس حمله ور شد و تعداد زیادی از سخنرانان را دستگیر کرد.

برای کارگران سراسر جهان بسیار مهم بود که زنان روس که تحت ستم تزار بودند، در روز جهانی زن شرکت کنند و به نحوی نسبت به اقدامات مربوط به این روز شناخت حاصل کنند. روز جهانی زن در سال ۱۹۱۴ در روسیه بهتر سازماندهی شد. هر دو روزنامه کارگری نسبت به این روز توجه زیادی نشان دادند. رفقای ما تلاش زیادی کردند که روز جهانی زن را معرفی کنند. اما همه کسانی که در تدارک برگزاری این روز بودند به زندان تزاری افتادند و بسیاری از آنها بعدا به سیبری تبعید شدند.

### روز جهانی زن در طول جنگ امپریالیستی

جنگ جهانی [اول] فراگیر شده بود. طبقه کارگر در همه کشورها به خون کشیده شده بود. در سال های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ روز جهانی زن بسیار کم رمق بود. زنان سوسیالیستی که با حزب بلشویک اشتراک داشتند تلاش کردند هشت مارس را به تظاهرات علیه جنگ تبدیل کنند.



### زن نوین، دختر نجیبی نیست که عشقش

به یک ازدواج موفق ختم شود

همسری نیست که در خفا از خیانت های شوهرش رنج بکشد!  
پیردختری نیست که در حسرت عشق نافرجام جوانی اش بسوزد، او قربانی شرایط رفعت بار طبیعت سرکوب شده اش نیست

زن نوین، زن قهرماتی است که استقلال طلب می کند، تا در زندگی اعتماد به نفس داشته باشد، تا علیه بردگی جهانی زنان در مقابل دولت و خاتمه و جامعه بی ایستد، زنی است که به عنوان نماینده همجنساتش برای حقوقش می جنگد.

الکساندرا کولونتای



## نازلی

نازلی! بهارخنده زد و ارغوان شکفت  
در خانه، زیر پنجره گل داد یاس پیر  
دست از گمان بدار!

با مرگ نحس پنجه میفکن!  
بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار...

نازلی سخن  
نگفت،

سر افراز  
دندان خشم بر جگر خسته بست رفت  
\*\*\*

نازلی! سخن بگو!  
در آشیان به بیضه نشسته ست!  
نازلی سخن نگفت

چو خورشید  
از تیرگی بر آمد و در خون نشست و رفت  
\*\*\*

نازلی سخن نگفت  
نازلی ستاره بود:

یک دم درین  
ظلام درخشید و جست و رفت

نازلی سخن نگفت  
نازلی بنفشه بود:

گل داد و  
مژده داد: زمستان شکست!

و رفت



با کمال تأسف و اندوه عمیق رفیق پانته آ بهرامی دو  
روز گذشته بعد از سالها مبارزه با بیماری سرطان از  
میان ما رفت

پانته آ از فعالین جنبش زنان یکی از بنیانگذاران  
انجمن زنان ایرانی پرتو، ژورنالیستی فعال و  
کارگردان فیلمهای مستند بود. فیلم های مستند «از  
فریاد تا فریاد» و «و من عاشقانه زیسته ام» از جمله  
آثار با ارزش وی هستند که زنان در زندانهای  
جمهوری اسلامی را به تصویر می کشند

همچنین از دیگر فعالیتهای چشمگیر این رفیق  
همکاری چندین ساله او بعنوان مترجم با بولتن  
انگلیسی نهادهای همبستگی کارگری- در خارج  
کشور بود. ایشان تلاش بیدریغی در انعکاس مسائل  
جنبش کارگری ایران در سطح بین المللی و خدمت  
به اهداف این جنبش از خود نشان داد.

در آستانه روز جهانی زن امسال جای تو خالی میماند  
پانته آ!

فقدان رفیق پانته آ در جنبش زنان و یاری رساندن به  
جنبش کارگری ضایعه ایی جبران ناپذیر است.

یادش با ادامه راهش پر دوام باد!

